

# مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۲  
پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۳ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

# انقلاب ایران در استانه یک تعمیق کیفی است

## بدون تحکیم خصلت‌های ضد امپریالیستی (استقلال طلبانه) و ضد استثماری (خلقی) انقلاب، حرکت به پیش محال است

امام خمینی، هیئتی را مامور بررسی شیایعه شکنجه در زندانها کردند

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران پیش از ظهر سه‌شنبه، آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور را بحضور پذیرفتند و وی را مامور تشکیل هیئتی برای رسیدگی به شیایعه شکنجه در زندانهای ایران کردند. امام خمینی، در این ملاقات تاکید کردند که: «افراد هیئت بی‌چوجه نباید به حزب و گروه و دسته‌ای خاص وابسته باشند و وقایع را بدون هیچ اغماضی باید بیان دارند.»

# خواسته‌های مردم مهاباد باید مورد توجه فوری و جدی قرار گیرد

«این طرح مال گروه‌های چپ‌نما بود و من همان موقع نیز گفتم که اینها سهل است و ۳۶ ماده، اگر دولت ۵۴ ماده هم بدهد، قبول ندارند و آنها هدف‌های دیگری در سر می‌پرورانند.»

آنگاه استاد شهریکندی، یکی از روحانیون شهر، پشت میکروفن قرار گرفت و از جمله چنین گفت: «در مورد مسائل اخیر شهرستان صحبت زیاد شده است و ما نیز مدتی است برای راه‌حل آن تلاش می‌کنیم. نکته لازمی که من می‌خواهم امروز ذکر نمایم، خطاب به مقامات مملکتی است که دولت و مقامات مسئول دولتی باید برآیند روش‌های ملامت‌ورترتری را بکار ببرند... آنها باید به مراتب صبورتر و با حوصله‌تر باشند.»

نظامی حل مسئله کردستان، بر روی ضرورت «حل مسئله کردستان از راه مسالمت‌آمیز» بنابه‌یکانه راه حل درست و ممکن تاکید کرد و گفت: «ما باید برای حل مسئله کردستان از راه مسالمت‌آمیز و طرق غیرنظامی بکوشیم و راه‌حل نظامی هیچ‌چیز پسندیده و عادلانه نیست... معتقدم که اگر مردم از این طریق عمل نایند... حتی در چارچوب حکومت عدل اسلامی به خواسته‌های خود قائل خواهیم گردید.»

استاد شهریکندی، جوانان را به حفظ نظم و انضباط و امنیت شهر دعوت کرد و گفت: «مردم و بویژه جوانان باید جلوی عناصری را که بساعت تیراندازی و پرتاب نارنجک در شهر می‌گردند، بگیرند و اگر آنها افراد ناآرامی هستند که مرتکب اینگونه اعمال میشوند، آنها را راه‌نمایی نایند.»

سپس قلمنامه ۸ ماده‌ای شورای مساجد شهر قرائت شد و هر بند آن با شعار «الله اکبر»

مردم مهاباد، بیگانه مهاباد را در سر می‌پرورانند. امام خمینی، رهبر و مرگ بر ضد امپریالیسم زید کافر، سخنان آنا را مورد تایید قرار دادند.

مردم مهاباد، بیگانه مهاباد را در سر می‌پرورانند. امام خمینی، رهبر و مرگ بر ضد امپریالیسم زید کافر، سخنان آنا را مورد تایید قرار دادند.

مردم مهاباد، بیگانه مهاباد را در سر می‌پرورانند. امام خمینی، رهبر و مرگ بر ضد امپریالیسم زید کافر، سخنان آنا را مورد تایید قرار دادند.

مردم مهاباد، بیگانه مهاباد را در سر می‌پرورانند. امام خمینی، رهبر و مرگ بر ضد امپریالیسم زید کافر، سخنان آنا را مورد تایید قرار دادند.

مردم مهاباد، بیگانه مهاباد را در سر می‌پرورانند. امام خمینی، رهبر و مرگ بر ضد امپریالیسم زید کافر، سخنان آنا را مورد تایید قرار دادند.

مردم مهاباد، بیگانه مهاباد را در سر می‌پرورانند. امام خمینی، رهبر و مرگ بر ضد امپریالیسم زید کافر، سخنان آنا را مورد تایید قرار دادند.

مردم مهاباد، بیگانه مهاباد را در سر می‌پرورانند. امام خمینی، رهبر و مرگ بر ضد امپریالیسم زید کافر، سخنان آنا را مورد تایید قرار دادند.

# نیروهای انقلاب متجاوزین را در جبهه‌های گیلانغرب و تنگ حاجیان به عقب راندند

رزمندگان نیروی دریایی طی عملیاتی چشمگیر، ضربات مهلکی بر متجاوزین وارد آوردند.

نیروهای متجاوز صدای در تمام جبهه‌ها زیر ضربات سنگین مدافعان انقلاب قرار گرفته‌اند. بنا به گزارش خبرنگار ارتش، دفتر مرکزی خبر به جبهه جنگ در غرب کشور:

روز سه‌شنبه، نیروهای گیلانغرب و تنگ حاجیان با توپخانه و سلاح‌های سنگین همچنان ادامه داشت و نیروهای انقلاب با هماهنگی کامل و حملات بی‌امان دشمن را به نحو چشمگیری به عقب رانده و با آتش توپخانه و دیگر سلاح‌های سنگین، تعداد زیادی از کامیون‌های سنگین حامل مهمات و نفرین را منهدم و تعداد دیگری را از کار انداختند و ۲ تانک دشمن را نابود کردند.

بنا به گزارش دیگری از خبرنگار دفتر مرکزی خبر از کرمانشاه:

در یک شب‌خون و عملیات شجاعانه توسط عده‌ای از بسیج عتایی ماهی‌دشت، با همکاری افراد نیروی مخصوص، چند خودروی حامل مهمات دشمن مزور در خاک عراق منهدم و سرنشینان آن به هلاکت رسیدند. بنا به گزارش خبرنگار دفتر مرکزی خبر از کرمانشاه:

روز گذشته (دوشنبه) نبرد در جبهه‌های سرپل ذهاب، قصر شیرین، کنی‌سخت، شورشیرین و سوار بصورت پراکنده ادامه داشته است.

ستاد خبری سپاه پاسداران غرب کشور به خبرنگاری پارس گزارش داد:

در این نبرد ۲ نفر از مدافعان انقلاب شهید و ۴ تن مجروح شدند. گزارشی پاری که تا ساعت ۱۷:۳۰ روز سه‌شنبه به خبرنگاری پارس رسیده، حاکیست:

در ذلزدرد و داریلوط پیرسل شجاع ژاندارمری با همکاری سایر نیروهای انقلاب به مقابله با آتش دشمن پرداخته و به مواضع و سنگرهای دشمن صدمات زیادی وارد آوردند. بر پایه گزارش یک مقام آگاه در ژاندارمری کرمانشاه، در جبهه ذلزدرد ۳ موضع دشمن نابود شد. خبرنگاری پارس نیز به نقل از سپاه پاسداران غرب کشور بقیه در صفحه ۷

# بمناسبت سالگرد قیام مردم آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۴

# از تجارب گرانبهای «نهضت ۲۱ آذر» بیاموزیم

صفحه ۴

# توطئه جدید ضد انقلاب علیه حزب توده ایران

## ضد انقلاب بنام حزب توده ایران اعلامیه پخش میکند

بر اساس اخبار رسیده، ضد انقلاب دست به توطئه جدیدی علیه حزب توده ایران زده است.

عناصر ضد انقلابی در نقاط مختلف شهر اعلامیه‌هایی علیه دولت ونهادها و ارگانهای انقلابی پخش میکنند و هنگامیکه پاسداران پخش‌کنندگان این اعلامیه‌ها را دستگیر میکنند، آنها میگویند: «حزب توده ایران این اعلامیه‌ها را داده پخش کنیم.»

تاکنون کسانی که درین نازی‌آباد و خزانه فرج‌آباد اعلامیه ضد دولتی پخش می‌کرده‌اند و توسط پاسداران دستگیر شده‌اند، به شیوه بالا رفتار کرده‌اند.

ما ضمن آشنای این توطئه ضد انقلاب، برای چندمین بار متذکر میشویم که اعلامیه‌ها، اسناد و نظریات حزب توده ایران در باره تمام مسائل کشور و تمام نهادها و ارگانهای انقلابی در نامه «مردم» ارکان مرکزی حزب توده ایران انتشار می‌یابد، و لذا هرگونه نظریه‌ای که برخلاف مشی‌اصولی و انقلابی حزب توده ایران، که دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی است، پخش شود و هر اعلامیه وسندی از جانب حزب ما، که در نامه «مردم» منتشر نشده باشد، هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد و نمیتواند داشته باشد.

روشن است که هدف ضد انقلاب از توسل به چنین شیوه‌هایی، برودسازی علیه حزب توده ایران و تفریق افکنی بین نیروهای انقلابی است. لذا ما به مقامات مسئول و همه نیروهای انقلابی در این زمینه هشدار میدهیم. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۱۳۵۹۹۱۹

# آیت‌الله دکتر بهشتی: ملی کردن تجارت خارجی دنبال خواهد شد

صفحه ۶

لئونید برژنف در جریان مذاکرات با ایندیرا گاندی گفت:

## اتحاد شوروی علیه دخالت دیگر کشورها در این مناقشات (جنگ عراق علیه ایران) اقدام میکند

صفحه ۸

# باند قاسملو یک عضو کمیته مرکزی و یک عضو دیگر حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) را به اعدام محکوم کرد

## حزب توده ایران ضمن اعتراض شدید به این جنایت هولناک باند قاسملو، از خلق کرد، مقامات کشور و همه نیروهای انقلابی نیز می‌خواهد که با اعتراض مانع تحقق این جنایت هولناک باند قاسملو شوند.

بر اساس اخبار موثقی که از کردستان رسیده، فاروق کیخسروی عضو کمیته مرکزی و یک عضو دیگر حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) بعد از ۵ ماه که در اسارت باند قاسملو پس می‌بردند، در پیادگاهی که این داروستان تشکیل داده‌اند، به اعدام محکوم شده‌اند.

تذکره به ۵ ماه پیش، وقتی گروهی از اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، به پیروی از مسوولان کنگره چهارم این حزب، انحراف باند قاسملو را از مسوولان کنگره اعلام داشتند و با افشا کردن

همکاری قاسملو با رژیم چپ‌نکار سدام، خلق کرد را به پشتیبانی و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواندند، تحریکات و توطئه‌های باند قاسملو آغاز شد. داروستان قاسملو که مدعی کسب «آزادی» برای ایران هستند، ابتدا به ضرب و جرح پیروان کنگره چهارم پرداختند و سپس دو تن از اعضای کمیته مرکزی پیرو کنگره چهارم را دستگیر کردند. فاروق کیخسروی عضو کمیته مرکزی و یک عضو دیگر حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) مدت ۵ ماه است که در اسارت باند قاسملو زیر شکنجه قرار دارند، چهارم) شوند.

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# از تجارب گرانبهای «نهضت ۲۱ آذر» پیاموزیم

### سازمان حزب توده ایران در روز دوشنبه توپخانه‌های تفر افکنان را محکوم کرد

سازمان حزب توده ایران، شهرستان روس با اعلامیه‌ای به تمام نیروهای انقلابی این شهرستان در توطئه‌های ترسناک خود از جهت ایجاد تفرقه بین‌نیرو، انقلابی هشدار داد. در این اعلامیه که به دنبال حمله عناصر ضد انقلاب به توپخانه قلم و تحریر آن در روز عاز انتشار یافته، ضمن طرح این که انقلاب ایران یکسره برکتی از ضربات خود را بر غارتگران بین‌المللی، بخصه امپریالیسم آمریکا و وابسته داخلی‌اش وارد آورده، آمده است. زمانی که ملت قهرمان ایران در برابر تجاوز امری حکومت پستی عراق می‌رود، امام خمینی رهبر انقلاب فریاد می‌زند: «انقلاب را کنار نزنید! متأسفانه می‌بینیم عده‌ای عداوت مشکوک و ناسازگار با تمام می‌کوشند با حمله به نیروهای انقلابی و تحریک مسیر مبارزه را، که همان مبارزه آمریکا و رژیم صدام چنانچه است، منحرف سازند. ما از تمام نیروهای وفادار انقلاب و خط امام خمینی، طلبیم که از هرگونه درگیری توطئه با عمل انقلابی خود بگریزند و توجه داشته‌باشند که هرگونه درگیری و اختلال داخلی بسود ضدانقلاب است»

دوست و دشمن بود. در رشته کشاورزی و مناسبات ارباب - رعیتی اصلاحات ریشه‌داری آغاز شد. اراضی خاصه (متعلق به دولت) و املاک فئودالها و بزرگ مالکان وابسته به امپریالیسم، که به بنفست مردم خیانت کرده بودند، بلاعوض بین روستاییان (حدود یک میلیون خانوار) تقسیم شد. برای کمک به روستاییان تبعیضات، که ابزار کار، پدر، آب و دیگر لوازم ضروری جهت احیای کشاورزی را در اختیار نداشتند، «بانک فلاحه» تأسیس شد و شرکت ماشین‌های آبیاری ایجاد گردید. تحت رهبری فرقه دمکرات آذربایجان مردم به فعالیت گسترده‌ای در رشته آبادی و عمران دهات و شهرها دست زدند. اقدامات جدی علیه بیکاری معمول داشته شد. کارخانجات قدیمی احیاء گردید. توسعه داده شد و کارخانجات و موسسات صنعتی تازه‌ای احداث گردید. محض نمونه میتوان گفت که تنها یک کارخانه جدید در آب‌پاشی و کربابی، که مبلغ یک میلیون و چهارصد هزار تومان برای حکومت ملی آذربایجان تمام شده بود، پیش از پانصد نفر دختر و زن جوان کارگر را از لحاظ کار، و کلیه نیازمندیهای کارگران، از حمام، رستوران و باشگاه گرفته، تا زایشگاه زنان و اتاق‌بچه‌های شیرخوار و اطفال کارگران، حتی اطاق اسباب‌بازی آنها (سبب تمجیب هیئت شده بود که قوام‌السلطنه به آذربایجان اعزام کرده بود) تأمین میگردد. کارخانه‌ها تحت نظارت مستقیم کارگران یا بهره‌دهی زیادتر کار میگردد.

اقداماتی که حکومت ملی برای رفع نیازمندیهای مالی آذربایجان بعمل آورد (دولت مرکزی همه اعتبارات آذربایجان را مسدود و حتی ۱۶ میلیون تومان پول مردم را از بانکهای آذربایجان خارج کرده بود) «اعتبار سهام خزانه» آذربایجان را بتدریج زیاد کرد که هردهه ریالی در بازار تبریز به یازده ریال خرید و فروش میشد (روزنامه داد، ۲ مرداد ۱۳۲۵). شبکه بهداشت عمومی برپا شد. در رشته فرهنگ، تأسیس دانشگاه، توسعه مطبوعات، فعالیت رادیو، احداث «کتابخانه معارف»، «کتابخانه آذربایجان»، تشکیل «اداره هنرهای زیبا»، «بنای دولتی»، «دارکتر ملی و فیلارمونی آذربایجان»، جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان، و غیره به رشد فرهنگ خلق، آموزش و پرورش نوباوگان و جوانان، مبارزه با بیسوادی و غیره کمک شایان میگردد. حتی دولت خیانت‌پیشه قوام در تصویب نامه ۱۶ ماده‌ای مورخه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ معترض بود که «اصلاحات آن‌سامان چلیب‌نظر نبوده است» و در لایحه ۱۶ ماده‌ای پیشنهادی به هیئت نمایندگی آذربایجان (مورخه ۲۹ اردیبهشت ۲۴) «نهضت دمکراتیک (را) که در این اواخر در آذربایجان به‌ظنور استحکام اصول دمکراسی و آزادی در تمام کشور ایران بعمل آمده» برسمیت شناخت.

اما رژیم طاغوتی شاهنشاهی بدستور اربابان امریکائی خود، که از پیشرفت خلق سخت بی‌راس آفاده بودند، نیروهای خود را برای سرکوب جنبش دمکراتیک آذربایجان متمرکز میکردند، تا بلاخره موافقت‌نامه ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ را زیر پا گذاشتند و به بیانه اجرای انتخابات به آذربایجان قشون کشیدند و فوجی بیار آوردند که حتی ایدئولوژیهای امریکائی را هم به حیرت انداخت.

### جنبش رهایی بخش ملی شکست ناپذیر است

لیکن جنبش رهایی بخش ملی، ضد امپریالیسم و دمکراتیک پدیده‌ای نبود که بتوان آنرا ریشه کن کرد. هنوز سه سال از وحشیگریها، کشتارها، تبعیدها و ترورهای رژیم طاغوت علیه خلق آذربایجان نگذشته بود که در سراسر ایران جنبش ضد امپریالیسم و مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت اوج تازه‌ای گرفت. سرکوب بیرحمانه این جنبش در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ م، که با دخالت و نقش مستقیم امپریالیسم آمریکا و انگلیس و بدست نفاق افکنان چون مظفر بقائی‌ها پیاده شد، نتوانست جنبش صدها ساله توده‌های زحمتکش مردم را براندازد. موج عظیمی که با تمیذ رهبر بزرگ مردم مستضعف ایران امام خمینی آغاز شد، در نتیجه بیکسری و قاطعیت و فداکاری و قهرمانی خلق و بی‌کسری و قاطعیت رهبر انقلاب، و استفاده درست از تجربیات گذشته این تاریخ پراتخار، بلاخره به چنان پیروزی شکوهمندی رسید که رژیم فاسد ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را برانداخت و اینک قدم بقدم، با عزمی راسخ، هشیاری شایان و قهرمانیهای کم‌ظنیر در مبارزه علیه امپریالیسم بسرکردگی امریکای در راه استقلال، آزادی، ترقی و رفاه همگانی پیش می‌رود.

لگای وحدت، که رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی با تمام نیرو مس داده است، صصاره و شیره همه تجربیات ارزنده تاریخ یکصدساله جنبش رهایی بخش ضد امپریالیسم، ضد استعماری و ضد استعماری است، که مردم زحمتکش، مبارز و ایثارگر ایران پیش برده و به پیروزی رسانده‌اند. بدام تفرقه‌اندازان و نفاق افکنان نیابتیم و مبارزه را تا پیروزی قطعی و نهایی زیر رهبری امام خمینی پیش ببریم.

چاپ‌یدان یاد بخیرم درخشان شهیدای قهرمان نهضت ۲۱ آذر، که امروز نیز الهام بخش هزاران شیرمرد و شیرزن دلیر و قهرمان در جنگ علیه رژیم مزدور صدام و نبرد علیه امپریالیسم امریکا است!

حمله و هجوم، بویژه علیه جنبش کارگری ایران، از اواسط سال ۱۳۲۴ توسعه یافت. حملات پی در پی علیه حزب توده ایران و شوراهای متحده مرکزی دامنه گسترده‌تری داشت. کلوب‌ها، کتابخانه‌ها، باشگاهها و دیگر اماکن حزب توده ایران و شوراهای متحده مرکزی در تهران، اسفهان، مازندران، آبادان و دیگر شهرها مورد تعرض و چپاول اوباشان تحریک شده قرار میگرفت. بیک کلام، امپریالیستهای امریکا و انگلیس با همه نیرو بیدان آمده بودند، تا بوسیله اعمال خود نیروهای مترقی و جنبش مردمی را درهم شکنند و رژیم خودکامه طاغوتی را، که ابزار مهم سلطه آنها بر ششون حیاتی کشور بود، استوار سازند. استقلال کشور، حق حاکمیت ملی و آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم در معرض تهدید جدی قرار گرفته بود. نیروهای پیشرو جامعه نمیتوانستند باین خط‌باندند. مردم آذربایجان در صفوف اول این مبارزه مقدس بپاخواستند.

بیانیه ۱۴ شهریور ۱۳۲۴  
بیانیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴  
تصمیم راسخ نیروهای پیشروی خلق را برای تشکیل سازمان سیاسی خود اعلام کرد. در مدتی کمتر از یکماه، در همه شهرها، قصبه‌ها و دهات آذربایجان انتخابات آزادی، که تا آنروز در تاریخ ایران سابقه نداشت، برگزار شد. ۱۰ مه‌ماه ۱۳۲۴ نخستین کنگره فرقه دمکرات آذربایجان در تالار فردوسی گشایش یافت. کنگره پس از ۳ روز مذاکرات مفصل و سازنده، امرنامه و اساسنامه فرقه دمکرات آذربایجان را تصویب کرد. کمیته مرکزی مرکب از ۴۱ نفر انتخاب و سید جعفر پیشرو رییس به‌صداوت برگزیده شد.

در سخنرانی که پیش‌واری، ۳ روز بعد از انتشار بیانیه، در تالار تئاتر دولتی آذربایجان در تبریز ایراد کرده، ضمن ترسیم نقشه ایران با انگشتانش در فضا، گفت:

«خواستها و گفته‌های ما همه در داخل این نقشه است و هرچه میخواهیم در داخل ایران میخواهیم».

اما آن عوامل امپریالیسم و مدافعین سرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان استعمارگر و مستکبر، که خود استقلال کشور، حق حاکمیت ملی و آزادیها و حقوق دمکراتیک را در طبق اخلاص به استعمارگران غارتگر فروخته بودند و از دوران انقلاب مشروطیت ایران، میندوستان غیور و آزادخواه آذربایجان بسرکردگی ستارخان را به‌دخیانت، «مولن فروشی» و «تجزیه طلبی» متهم میکردند، باز با همان حربهای کهنه پیمان و افترا بمیان آمدند، تا بین نیروهای مبارز تفرقه‌اندازند و نیت شوم خود را پیاده کنند. در صورتیکه مردم آذربایجان چیزی جز استقلال و آزادی ایران، اجرای دقیق قانون اساسی، از جمله تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، رعایت آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم زحمتکش کشور چیز دیگری نمی‌خواستند.

آذربایجانی میخواست از ابتدائی ترین حق مسلم یک انسان، که تکلم و تحصیل زبان مادری است، بهره‌مند باشد.

آذربایجانی میخواست از ثروت‌های فراوان و منابع طبیعی بیکران سرزمین خود، که روی آن رنج میبرد و زحمت میکشید، بهره‌دهی مردم زحمتکش ایران و برابر با آنان استفاده برد.

آذربایجانی میخواست مورد تحقیر و توهین مامورین رژیم طاغوتی شاهنشاهی، از زانندارم گرفته تا استاندار واقع نشود.

ما به خوانندگان خود مطالعه مقاله‌ای را که تحت عنوان «نقشه‌ای از رفتار ژاندارم‌ها با مردم آذربایجان» در روزنامه داده مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۲۵، نوشته شده، جلب میکنیم. داد حکومتی می‌نویسد: «در قریه‌ای نزدیک مراغه یک نفر ژاندارم نظامی اعلام کرده شب از تواج عروس را می‌ریابد و با او عمل شنيع انجام داده سپس ۱۵ نفر ژاندارم را مامور میکند با آن زن طرف شوند!»

همچنین توسی می‌کیم که کتابچه جداگانه‌ای را که بقلم عمیدی نوری، یعنی کسیکه بی‌پروچه نمیتوان او را به آزادیخواهی، هواداری از فرقه دمکرات آذربایجان و نهضت و مردم آن‌سامان مظلون دانست، نوشته شده مطالعه کنند، تا لایق با یک پیرونده موجود از هزاران پیرونده از نزدیک آشنا شوند.

اما نخست‌وزیر تبهکار رژیم فاسد پهلوی در جلسه رسمی مجلس، در جواب تکرار شکایت و خواست مردم آذربایجان، شانه‌هایش را بالا انداخته می‌گفت: «ما از این تلگرافها زیاد دیده‌ایم». مردم آذربایجان تصمیم به دعوت کنگره ملی خود گرفتند. طبق اسناد موجود، بیش از ۶۰ میلیون نفر را دادند. انتخابات آزاد در عرض سه روز در همه نقاط آذربایجان صورت گرفت. کنگره ملی، که در آن ۷۰۰ نفر برگزیدگان مردم از تمام نقاط آذربایجان شرکت کردند در عرض یک هفته تشکیل داده شد.

۲۱ آذرماه، نمایندگان نظامی رژیم طاغوت در تبریز و دیگر نقاط، در مقابل عزم راسخ مردم چاره‌ای جز تسلیم ندیدند. قیام قهرمانانه آذربایجان در راه استقلال، آزادی، حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران پیروز شد. حکومت ملی آذربایجان در مدت بسیار کوتاه، اصلاحات زیادی در همه رشته‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی آذربایجان انجام داد، که مورد اعتراف

تاریخ درخشان و افتخاراتگین مبارزات رهایی بخش ملی ضد امپریالیسم مردم ایران روزگاری آغاز شد که رژیم سرمایه‌داری در مقیاس جهانی به آخرین مرحله گسترش خود، یعنی سرمایه‌داری انحصاری قدم میگذاشت. ایران یکی از هدفهای مهم سیاست استعماری امپریالیسم جهانی بود. اما هر قدر سلطه خانمان برانداز امپریالیسم در کشور ما توسعه مییافت، مقاومت و مبارزه مردم زحمتکش، آزادخواه و مین دوست نیز سرسخت‌تر و ریشه‌دارتر می‌شد. از همان اوان، محافل حاکمه رژیم طاغوتی شاهنشاهی بر حسب مویشت اجتماعی خود، روبروی خلق ایستادند و اجرای سیاست استعماری امپریالیسم را در کشور بیهوده گرفتند. لذا جنبش ضد امپریالیسم مردم ایران نیز در عین حال مبارزه‌ای علیه رژیم منقر خودکامه سلطنتی بود. به‌عبارت دیگر، مبارزه در راه استقلال و حق حاکمیت ملی، در عین حال مبارزه در راه آزادی و حقوق دمکراتیک، رفاه و ترقی بود. این مبارزه تاریخی مرگ و زندگی، از قیام تنباکو (۱۳۲۰)، انقلاب مشروطیت (۱۳۰۸ - ۱۳۲۴) انقلابات گیلان، آذربایجان و خراسان (۱۳۰۰ - ۱۳۹۶) گرفته، تا نهضت ۲۱ آذر ۱۳۲۴ در آذربایجان، فراز و نشیبهای بزرگ و کوچک داشته است. اما همه این اوج‌های چشمگیر، حلقه‌های مهم و درخشان از زنجیر واحد پیوسته تاریخ پرافتخار جنبش‌های بخش ضد امپریالیسم مردم زحمتکش و رزمنده ایران‌اند.

کتابیکه در کتارها و نوشتارهایشان به‌نحوی از انحاء، به‌این یا آن حلقه از این روند متمالی تاریخی برخورد میکنند، شایسته نیست که تمهیدهای گنبدیده و افتراهای متعفن دست‌پخت اینتلیجنسد سرویس، سیا، موساد و ساواک را نسبت به این نهضت‌های انقلابی مردمی منبع تغذیه خود و دیگران قرار دهند و خواه ناخواه بدام قلم‌فروختگانی چند بیافتند که با تحریف تاریخ گذشته میخواهند آنرا در خدمت پلیدترین نیت امپریالیسم و ضد انقلاب کنونی قرار دهند، با جعل و تزویر، قلب حوادث، لگه‌دار کردن زبیران و کوشندگان بنام این نهضت‌ها، برجسته کردن نارسائیاو اشتباهات، سراسر جنبش عظیم و خلقی را لجن مال کنند و همچون گذشته آتش تفرقه و نفاق را دامن زنند.

قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۴ اوجی بود چشمگیر، که از متن تاریخ پرافتخار، در سرزمین قهرمان پرور آذربایجان، زادگاه ستارخان‌ها و باقرخان‌ها، شیخ محمد خیا، حیدر عوغلای، دکتر ارانی‌ها، برخاست و برچم خونین و افراشته تمام جنبش رهایی بخش ضد امپریالیسم و دمکراتیک خلق را بدست‌های مقتدر نسلیهای شایسته بعد سپرد.

دومین جنگ جهانی: را امپریالیسم جهانی‌خواه، با همه امکانات وسیع سیاسی، اقتصادی و نظامی، ایدئولوژیک و تبلیغاتی خود علیه اتحاد شوروی، به قصد براندازی سوسیالیسم پیروز تدارک دیده بود. اما تمام آن تدارکات ۲۰ ساله نتیجه معکوس ببار آورد. قانونمندیهای عینی رشد تاریخی جامعه، بر نیت پلید امپریالیسم غالب آمد. تضادهای درونی امپریالیسم بروز کرد. درنده‌لجام گسیخته فاشیسم ساین محصور درنده امپریالیسم، جنگ را با حمله به کشورهای «دمکراتیک» سرمایه‌داری و پیمان وسعت و شدت‌ی آغاز کرد که برای این کشورها (که حتی پس از شروع جنگ هم با پیشنهاد دولت شوروی برای مبارز کردن فاشیسم موافقت نمیکردند) چاره‌ای جز شرکت در ائتلاف ضد هیتلری باقی نماند.

حمله خائنه فاشیسم آلمان به کشور شوروی ماهیت جنگ را تغییر داد. مبارزه ضد فاشیستی خلق‌ها و به‌مراه آن جنبش رهایی بخش ملی و دمکراتیک در همه کشورها بالا گرفت. با سقوط دیکتاتوری پوشالی رضاشاه و تزلزل رژیم فاسد طاغوتی (شهرپور ۱۳۲۰) شرایط مساعد برای فعالیت نیروهای پیشرو و گسترش جنبش ضد امپریالیسم و دمکراتیک خلق فراهم شد.

دولت‌های امپریالیستی در ائتلاف ضد هیتلری، در سالهای اول جنگ قادر به شدت‌عمل علیه جنبش‌های رهایی بخش ملی نبودند. اما هیتلرک زیر ضربات پی‌در پی و کمرشکن ارتش شوروی، دیگر سرنوشته جنگ روشن میشد. این دول امپریالیستی هجوم خود را علیه جنبشهای ضد امپریالیسم و دمکراتیک خلق‌ها، از اندونزی و فیلیپین و هندوچین گرفته تا ایران و یونان و شمال آفریقا و امریکای جنوبی گسترش دادند. گمناستان و سرسپرندگان امپریالیسم در ایران سر بلند کردند. تلاش نیروهای ارتجاعی برای احیای دیکتاتوری و تقویت رژیم طاغوتی شاهنشاهی وسعت گرفت. ساندھا، صدرا لاشراف‌ها، حکیم الملک‌ها و... را برسمند نخست‌وزیری می‌نشانند. مجلس شوروی ملی را با سیدضیاءالدین‌ها، امام‌ها، نوبخت‌ها و... پر میکردند. بزور سر نیزه حکومت نظامی مطبوعات مترقی را توقیف میکردند، از فعالیت جمعیت‌ها، سازمانها و احزاب مترقی و دمکراتیک جلوگیری میکردند، به تصفیه نیروهای مسلح از افسران و درجه‌داران شرافتمند و آزادخواه، مخالف استعمار و استبداد دست می‌زدند. قیام افسران خراسان (مرداد ۱۳۲۴) عکس‌العملی در مقابله با این تصفیه‌ها بود. و همه این تهاجمات امپریالیسم و ارتجاع با توطئه‌های نفاق‌انگنی و تفرقه‌اندازی بین نیروهای مترقی و دمکراتیک جامعه توأم و تکمیل

### خواستهای مردم...

و حیثیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

ما اسناد پراستباری چون پیام تاریخی امام خمینی (۲۶ آبان ۱۳۵۸) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در اختیار داریم. خلقهای برادر ایران پازشته‌های عمیق قرون و اعصار باهم پیوند ناگسستنی دارند و یک فرهنگ عمیقاً انسانی ارواح آنها را بهم پیوند میدهد. با وجود همه این واقعیتها، پس چه چیزی سبب شد که مسئله کردستان به یک «معمای لاینحل» و یک «گره کوره» و یک جنبه فاجعه و درد و عذاب برای خلق کرد و جمهوری جوان اسلامی ایران تبدیل شود؟ جز تحریکات ضد انقلاب از هر دو سو، جز ندانم کاری و گرفتاری در چنگال راه‌های موهوم و خیالات

بقیه از صفحه ۱

تفاهم و برادری که پدیدار گشته است، خرسندیم. این جو سالم برادری را، که مردم مهاباد و پاسداران انقلاب باهم می‌شنینند، دره‌ها را بهم میکویند و چاره‌ها را باهم می‌جویند، باید با تمام وجود حفظ کرد و بسط داد.

مقابله با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، اگر از روی ناآگاهی باشد، گمراهی خطرناکی است و اگر از روی آگاهی باشد، خیانت ضد انقلابی است.

انکار قاطعیت خواستهای مشروع خلق کرد (در حدود امکانات موجود) نیز اگر از روی ناآگاهی باشد، گمراهی خطرناکی است، و اگر از روی آگاهی باشد، تیشه‌زدن به ریشه اعتبار

**کمک مالی**  
به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

- سازمان حزب توده ایران همدان ۵۰۰۰۰
- سازمان حزب توده ایران بابل ۴۰۰۰۰
- سازمان حزب توده ایران پابل ۵۰۰
- سازمان حزب توده ایران سنجان ۱۰۰۰۰
- ا. ف. از چالوس ۸۰۰۰۰
- ن. از چالوس ۵۰۰۰۰
- حیدر از چالوس ۵۰۰۰۰
- منصور از چالوس ۳۰۰۰۰
- برادر باقر مظفر ۱۰۰۰۰
- م. الف. دانش آموز لنگرود ۱۱۰۰۰
- مختار ۲۰۰۰

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به‌نام تقی کی‌منش و به‌شماره حساب ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان ششید دکتر حسین قاطمی بپردازند.

پرطرفر کنند و دوایر دولتی و مدارس را مجدداً بکار بندازند. راه‌ها را باز کنند و محاصره اقتصادی را مرتفع سازند و «وضع عمومی منطقه را بحال عادی برگردانند»

تقاضا از مردم و بویژه جوانان برای جلوگیری دسته‌جمعی از هرگونه «اقدام و مقابله مسلحانه و خصمانه»

دعوت از «افراد مسلمان و متعهد شهر و حومه» برای «استخدام شدن» بمنظور برقراری انتظامات و جلوگیری از زدنی و تخریب مسجد و مدارس و مسکن برای رهایی منطقه بپردازند»

تقاضا از مقامات انتظامی که موجود در منطقه مهاباد که «بجای برخورد مسلحانه، همه با هم به امور تسولیدی و ساختن مسجد و مدارس و مسکن برای رهایی منطقه بپردازند»

تقاضا از مقامات انتظامی که «از روشهای کتونی و جلب و توقیف و «دخترمنطقه» خودداری نمایند و «کلیه تصمیمات را

ایران و همه خلقهای این کشور است. همه خواستها و مسائل و مطالب دیگر را، چه اجتماعی و چه سیاسی و چه اقتصادی و غیره، باید در تابعیت این مسئله عمده تاریخ کشورمان قرارداد. لایق و لذا باید طرح مسئله کردستان را از حالت (انجرفی و ضد انقلابی مقابله و خصومت و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به‌مواضع انقلابی اتحاد، همبستگی و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انتقال داد. و یک چنین کاری، هم به دانایی علمی و هم به به شعاع اخلاقی، هم به به ضمیر روشن و هم به فداکاری و از خودگذشتگی نیاز دارد.

آنچه در گردهمایی نام‌برده قطنانم آن گفته شده، حاوی مستگبری در این جهت درست

بیاپی‌ها، چه چیز دیگری می‌توانست یک چنین فاجعه‌ای ببار بیاورد؟ ما خرسندیم که واقعیت‌های زندگی، برادران را بداخل یک مسجد برده و در کنار هم نشانده و به‌چاره‌جویی «مسئله‌ای که ضد انقلاب در کردستان بسیاری حکومت انقلاب بوجود آورد، واداشته است. آری، زندگی بزرگترین آموزگار است.

بنظر ما، راه‌گشای خروج از بن‌بست کردستان همانست که در گردهمایی و قطنانم مذکور در فوق به آن اشاره شده است: اولاً باید دانست که حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تحکیم و اتحاد همه نیروهای انقلابی برهبری اصام خمینی، عمده‌ترین وظیفه همه نیروهای و اما انقلابی، همه جنبشهای اصیل

# انقلاب ایران در آستانه یک تعمیق کیفی است

**بدون تحکیم  
خصلت های  
ضد امپریالیستی  
(استقلال طلبانه)  
و ضد استعماری  
(خلقی) انقلاب،  
حرکت به پیش  
محال است**

داران وابسته، بزرگ مالکان، افراد عالی رتبه رژیم سابق اعم از کشوری و لشکری، ساواکی ها، عمال مستقیم سرویس های جاسوسی امپریالیستی و کلیه دیگر قشرهایی که از انقلاب زبان دیده اند، اینک چشم امید را به این مملکت دوخته اند و بسیار بسیار امیدوارند که بتوانند جلوی سیل خروشنده انقلاب را از این راه بگیرند. این آخرین امید آنها در چارچوب درون اجتماع است، بویژه که روزبه روز از "عجزه" آرباب خارجی نومیدتر می شوند.

۲) اما توشه ایدئولوژیک آنها در سه نکته اساسی خلاصه می شود:

الف) راه تکامل ایران همان راه سرمایه داری است، که رژیم گذشته هم آن راه را می پیومد، منتها با این تفاوت که باید جای غارتگران سابق را نوجه غارتگران تازه بگیرند و سپس این نوکیشان بازار آشفته سرمایه داری، به سرعت خود را به سطوح فوقانی ثروت وغارت برسانند. البته این سرمایه داری مایل است، به انکاء انقلاب، به انکاء جوش و خروش ضد امپریالیستی مردم، با غرب بیشتر چانه بزند و منابع ثروت و بازار داخلی ایران را بیشتر زیر کنترل بگیرد. اما عملاً این نخواهد شد. سرمایه داری جهانی به میزان قیاس ناپذیری از سرمایه داری ایران نیرومندتر است و در چند پیچ و تاب گشتی، آقایان را "ضربه فنی" خواهد کرد و آنها هم درست و صد درصد از همان جا سردر خواهند آورد که خانواده پهلوی و نوکرانش آنجا بودند. این در منطق اشیاء، در منطق تاریخی رقابت های سرمایه داری است.

حساب های سفیانه و کودکانه کسانی که می خواهند گویا از تضاد بازار مشترک و زاپس با آمریکا استفاده کنند، نشانه بی اطلاعی صرف این افراد است. آمریکا مدت ها است بیخ اقتصادی خود را محکم در سرزمین هایی مانند آلمان غربی، ژاپن، انگلستان، فرانسه و غیره کوفته است و دست این آقایان از هر باره زیر ساطور امپریالیسم مقتدر، محیل، ثروتمند و متجاوز آمریکاست و هیچ کشور سرمایه داری در جهان نیست که در آن آمریکا فرمانروای نهایی و اساسی نباشد.

ب) عنصر دوم در توشه سیاسی لیبرال های وطنی، واژه شیرین "آزادی" است. آنها از میان آزادی های فردی و آزادی های اجتماعی (آزادی از استثمار و استعمار)، به این دومی اعتقادی ندارند. به آزادی های فردی نیز، در این حد معتقدند که برای احزاب بورژوازی و احیاناً "جپ" قلابی و دست نشانده، میدان عمل معینی، موافق دلخواهشان ایجاد شود. برای حزب توده ایران همان قانون شوم ۱۳۱۵ رضی خان (به قول آرنای قانون سیاه) وجود دارد و دیگر محلی از تردید باقی نیست. تکلیف "روحانیت مبارز" و احزاب و سازمان های پیروز خط امام نیز روشن است. آن بخشی از جپ، که با امپریالیسم و لیبرالیسم درافتاده است، نیز سروسسی خوشتر از ما نخواهد داشت. لذا لیبرالیسم لیبرال های وطنی دارای آن چنان محدودیتی است که به آقای و سروری خودشان ختم خواهد شد. آنها هم سرانجام مانند شاه ملعون خواهند گفت: "در ایران همه گونه آزادی هست، جز آزادی خیانت!" و تمام مخالفان سیاست خود را با حربه "قانون!" طرد خواهند کرد.

ج) عنصر سوم در توشه لیبرال های وطنی اعتقاد به ضرورت همکاری با امپریالیسم است و به همین جهت در نظر آنها اشغال لانه جاسوسی و "گروگان گیری" گناهی است عظیم و آن توبه ای که ما از جهت عدم مداخله به آمریکا پیشنهاد می کنیم، گویا خود ما باید در برابر آمریکا بدان دست زیم! این آقایان امپریالیسم را بسیار قدر قدرت می دانند. اگر امپریالیسم به شما احم بکند، پس شما "منزوی" شده اید. اگر امپریالیسم شما را "محاصره اقتصادی" کند، پس شما نابود شده اید! به نظر آنها سیاست خارجی کنونی ایران، که به دنبال گفته امام خمینی می گوید: "آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند" و "اتحاد مستضعفین جهان علیه مستکبران جهان" باید انجام گیرد، چیزی است شبیه به دیوانگی. این طرز فکر لیبرال های وطنی بدانجا می رسد که تلاش برای استقرار روابط "برادرانه" با ضیاء الحق، این جاسوس منفور امپریالیسم با حرارت تر انجام می گیرد، تا تلاش برای استقرار روابط عادی با معمر قذافی ضد امپریالیست، که حامی صادق انقلاب ایران است. همه ما شاهد صحنه های این دو جریان در ماه های اول انقلاب بودیم. چنین است پایگاه طبقاتی و توشه سیاسی-

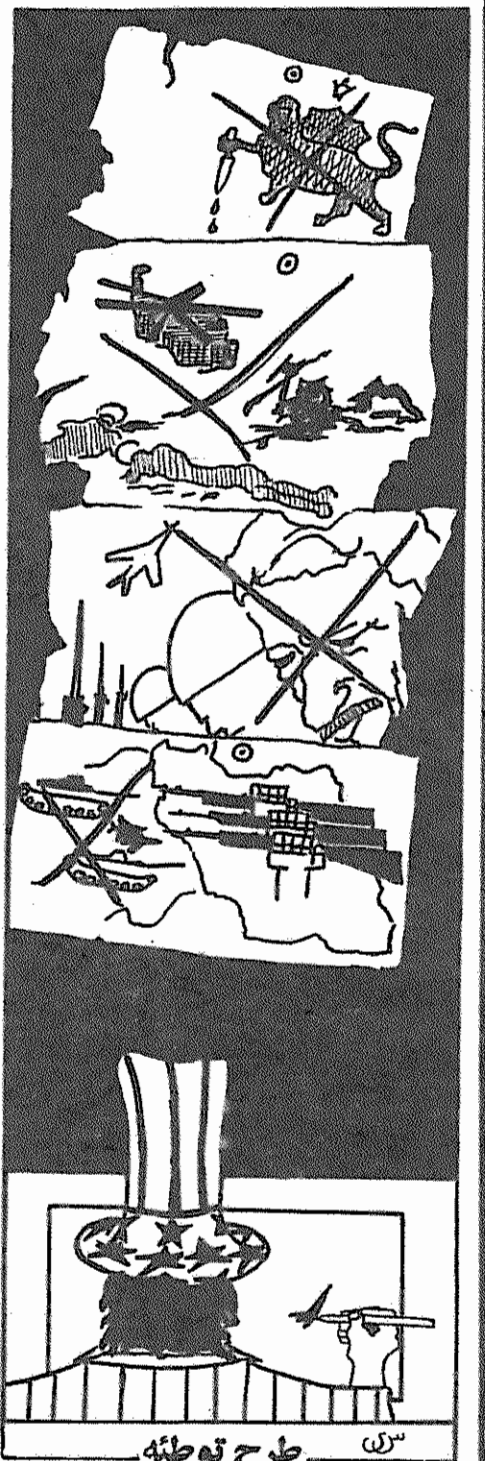
منشاء فکری و طبقاتی جدا از هم، بایدکنگر وارد تصادم جدی خواهند شد. حزب ما در تحلیل های خود صریحاً گفت که این روند "که بر که چیره خواهد شد؟"، یک روند قانونی در همه انقلابهاست. همه انقلابها تا دورانی دچار "دوقدرتی" هستند. یکی از آن دو، جناح محافظه کار انقلاب، به نخستین نتایج سیاسی حاصله از انقلاب راضی است و نمی خواهد قدمی فراتر گذارد. قدرت دیگر، جناح رادیکال، تحول سیاسی را کافی نمی داند و خواستار تحولات ژرف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است، تا نظامی از جهت کیفی نو، در کشور پدید آورد.

این قانون اجتماعی انقلابها در کشور ما حتی به شکل "کلاسیک" و نمونه وار بروز کرده است. جناح لیبرالها به نمایندگی بورژوازی و دیگر قشرهای مرفه جامعه از سوئی، و جناح خلقی به رهبری امام خمینی به نمایندگی محرومان جامعه، یعنی همان خلق مستضعف (که اکثریت مطلق جامعه را در برمی گیرد) از سوی دیگر، تاریخ پس از انقلاب، تاریخ نبرد این دو نیرو است و سرنوشت آتی انقلاب بسته است به این که کدام یکی از دو نیرو غالب خواهد آمد. پس از فرو ریختن بساط استبداد سلطنتی، امپریالیسم نیز در میان این دو جناح انتخاب خود را کرده است. البته امپریالیسم حتی از جناح لیبرال در بست خوش نمی آید و تمایل واقفیش به چاکران تحت فرمان خود - مانند اشرفها، بختیارها، اویسیها است. حتی در میان این چاکران تحت فرمان، امپریالیسم آمریکا احیاء رژیم استبدادی - نظامی پهلویها و اویسیها را بر نوع "بازی با آزادی" ترجیح می دهد، زیرا مطلب بر سر غارت ایران و تصرف بازار آن و تبدیل آن به پایگاه نظامی است، و این کار را رژی که ایداً ریشه های در داخل جامعه نداشته و تماماً "نمای" پنتاگون و سیا باشد، البته بهتر انجام می دهد. سوهارتو، پینوشه، سادات، ضیاء الحق، خالد، ملک حسین، ملک حسن و از این نوع سگان زنجیری بیشتر مطلوب امپریالیسم است. ولی وقتی نتواند به حد اکثر برسد، چه کند؟

وقتی نتواند، توقفش را برای دوران معینی بائین می آورد. رهبری لیبرالها، که خواستار راه رشد سرمایه داری و همکاری اقتصادی و نظامی و سیاسی با غرب و برپا داشتن نظام های اداری - قضایی به سبک باختر هستند، البته برایش از رهبری امام خمینی، که خواستار استقرار روش ضد استعماری و قسط اجتماعی و تحول خلقی - اسلامی، همه نهادهاست، به مراتب بهتر است. قبلاً این نکته را متذکر شویم که ما به زندگی - نامه فردی لیبرالها کاری نداریم - ما با لیبرالها - ها به عنوان یک جناح سیاسی کار داریم که دارای ماهیت طبقاتی و اجتماعی معینی هستند. ما با این ماهیت طبقاتی و اجتماعی کار داریم. اما به عنوان جناح، لیبرالها دارای یک پایگاه طبقاتی و یک توشه ایدئولوژیک هستند:

۱) پایگاه طبقاتی آنها، سرمایه داری است. بخشی از سرمایه داری وابسته به همراه رژیم سرنگون شده، از صحنه خارج شده است، ولی سرمایه داری بزرگ، حتی پس از انقلاب، از مجاری مختلف، خود را گاه فریتر از پیش ساخته است. بخشی از بازارهای تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز، قم، گرگان، رشت و غیره تکیه گاه این سرمایه داری بزرگ دلال است. اقدامات دولت انقلاب در ملی کردن موسسات خلقی، بانکها، بیمهها، جلوگیری از ضرافیها، تدارک برای ملی کردن بازرگانی خارجی، این قشر نیرومند و ثروتمند سرمایه داری بازار را سخت نگران می سازد. در گذشته دین اسلام برای آنها تنها اجراء برخی مراسم عبادی بود، نه "قسط" و عمل صالح اجتماعی. غارت، احتکار، گران فروشی، قاچاق ارز، بست و بند با شرکت های خارجی، رباخواری و انواع صنایع دیگر در نزد این "حاجی آقا" های به اصطلاح دین دار، امور به کلی مجاز و مشروع شمرده می شد، و سپس می شد با پرداخت سهم امام و خمس و زکات تمام پلیدیها را شست. این "دین داران" میلیاردی و میلیونی، "روحانیت" وابسته و خادم "روشنفکران" وابسته و خادم خود را هم بوجود آورده اند، که در میان آنها از جمله نام رهبران حزب "خلق سلمان" و "نهضت آزادی" و "جبهه ملی" دیده می شود. بین این قشر سرمایه داری و بقایای بزرگ مالکان و خان های عشایر نیز پیوند دوستی و الفت و همکاری سیاسی - اجتماعی برقرار است. از هم حمایت می کنند. نه مانده ضد انقلاب کلاسیک، یعنی سرمایه-

آنچه که اکنون در درون روند انقلاب ایران می گذرد، از دیدگاه تحلیل حزب ما، از همان اوان پلنوم ۱۶ کمیته مرکزی حزب (۱۳۵۷)، پدیده همسایه صراحت می گفت که نیروهای وارد در انقلاب همگون و هم هدف نیستند و دو خط مشی خلقی و لیبرال، که در مرحله براندازی استبداد شاهنشاهی با هم، علی رغم اختلاف های جدی و آشکار، به نحوی همکاری کرده اند، بدون تردید در سیر آتی انقلاب، در مسائل نوسازی جامعه ایران، به علت



**برای مقابله با  
تجاوز نظامی آمریکا،  
تمام خلق  
باید از نظر نظامی  
مجهز شود**

### نگاهی به سخنان وزیر کار و امور اجتماعی:

# اعتقاد مادر کارخانه‌ها به توده کارگر است

«وزیر کار»

قانون کار را فقط با مشارکت فعال و دقیق خود نمایندگان کارگران میتوان و باید در نظر داشت و به نحو احسن مورد توجه قرار داد.

از دیگر نکاتی که در کنفرانس مطبوعاتی وزیر کار به میان آمد، مسئله بازگشت مجدد عده‌ای از افراد پاکسازی شده ساواکی به سر کار در کارخانه‌ها و خطر وجود آنان بود. این عناصر بانفوذ کردن در شوراها، و اساساً با شایعه‌پراکنی، دروغ‌زنی و دامن زدن به مشکلات و تحریک و فتنه‌انگیزی، همانا نقش ستون پنجم دشمن را به نحو بسیار خطرناک و در عین حال دقیق، همه‌جانبه و موثری ایفا می‌کنند.

وزیر کار به این مسئله توجه دارد و البته با تاکید بر این که: «۹۹ درصد از برادران کارگر ما خوب هستند...» معتقد است که: «با هشیاری برادران کارگران در

**چرا در اداره واحدهای تولیدی، مدیریت انقلابی ضرورتاً به معنای نظارت و مشارکت نمایندگان کارگران و کارکنان در این زمینه است.**

کارخانجات و همچنین نظارتی که قانون برای وزارت کار معین نموده است، این مسئله (خطرناک) منتفی می‌شود. من ایمان دارم که با اجرای هرچه سریع‌تر قانون شوراها و هشیاری و دقت عمل ما مسئولین، این مسائل حل می‌شود. «مقابل به توطئه» عناصر ضد انقلابی تنها در گرو قاطعیت انقلابی، وجود ضوابط انقلابی و تکیه بر حمایت خود کارگران است و در این زمینه نیز حق با وزیر کار است که می‌گوید: «اعتقاد در کارخانجات به توده کارگر است.

بنابراین ستون پنجم اخلال‌گر را باید شناخت و از طریق دادگاه‌های انقلاب با آنها» مقابله کرد. وی می‌گوید: «این عناصر نه تنها به انقلاب خیانت می‌کنند، بلکه بزرگترین خیانت را به کارگران ما می‌کنند. این‌ها خیانت به اصل شوراهاست کارگری ما می‌کنند. در حال حاضر آن کسانی که مخالف وجود شوراها در کارخانجات هستند، خرابکاری‌این افراد را به حساب شوراها می‌گذارند و از وجود آنان بر علیه شوراها استفاده می‌نمایند... وظیفه همین شوراها، انجمن‌های اسلامی و همین برادران کارگر ما است که دست این عناصر اخلال‌گر را از اقتصاد و تولید ما کوتاه نمایند...»

بدین ترتیب، موافق این انتظاری که از مجامع صنفی کارگری می‌رود، انتظار می‌رود که نقش لازم به آسان واگذار و اختیارات مورد نیاز به آنها تفویض شود.

آقای میرمحمد صادقی در مورد ترکیب شورای عالی کار نیز بر «کارگر بودن» اعضا، آن به مثابه معیار، انگشت گذاشت و این که «آنان از طریق شوراها کارگری در شورای عالی کار شرکت خواهند کرد و مادر شورای عالی کار هم مثل دیگر جاها اصلاً اتکایی به وجود سرمایه‌داران نخواهیم داشت... اطمینان می‌دهم که تفکر سرمایه‌داری را چه در وزارت کار و چه در شورای عالی کار تحمل نخواهیم کرد. این آن اهرم مطمئنی است که رمز پیروزی به شمار خواهد رفت. اگر به خود کارگران تکیه کنیم، که خواهیم کرد، اگر وجود زالوفستان انگل را تحمل نکنیم، که نخواهیم کرد، آن‌گاه گل شکفته کار و رنج زحمتکشان را دست حریص و خون‌ریز سرمایه‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم نخواهد چید و زندگی در سراسر واحدهای تولیدی ما شکوفان خواهد شد. در انقلاب ما، اگر جز این می‌بود، حیرت‌آور بود.

سخنان وزیر کار و امور اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران گواه عمق خلقی انقلاب است. در پیش‌برد طرح‌های انقلابی دولت با تمام وجود و به هر وسیله ممکن بکوشیم و آن‌ها را تعمیق کنیم، تحکیم بخشیم و گسترش دهیم.

راه‌اندازی واحدها، تولید هرچه بیشتر و مطمئن‌تر، محیط تفاهم - انقلابی در کارو منزوی کردن ضد - انقلاب و مبارزه با وابستگی در دستور است، باید مدیریت را با شرکت دادن مجامع صنفی کارگران، «انقلابی»، «مردمی» و «مطمئن» ساخت وزیر کار در سخنان خود به نکات درستی نظیر ضرورت از میان بردن تفاوت در حقوق و مزایا، شرکت مادر مجامع بین‌المللی مربوط به مسئله کار و نظایر آن نیز اشاره کرده که موضوع بحث کنونی ما نمی‌تواند باشد، هر چند بخودی خود، بودجاری خود شایان توجه است.

آنچه در این قریب به دو سال پس از انقلاب اهمیت تامی داشته است، ضرورت تدوین قانون کار و شرکت دادن نمایندگان کارگران، نظرخواهی از آنان در حکم و اصلاح طرح‌مقدماتی آن و جمع‌آوری پیشنهادها، گوناگون از این طریق و نهایتاً برگزیدن اصول و ضوابط محکم و انقلابی و بالطبع موافق منافع کارگران است.

حوسبخانه وزیر کار نیز همین خط را دنبال می‌کند و می‌گوید: «به محض آماده شدن این قانون (کار) آن را در معرض افکار عمومی خواهیم گذاشت... امیدواریم بتوانیم یک قانون نسبتاً ایده‌آل در این مورد تهیه نماییم.»

و از هم‌اکنون بیداست که روح ماده ۲۳ (جماعی کارفرما) در این قانون وجود نخواهد داشت. با این وجود باید تاکید کرد که قانون کار آینده، به لحاظ اهمیت آن، باید از هر جهت بازتاب ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب باشد. باید آشکارا در مقام دفاع از کار و زندگی مطمئن، مرفه و انسانی و پیشرو برای کارگران برآید. نباید به هیچ بهانه و تحت هیچ عنوان در زیر و بم مواد آن، در لابلای تبصره - ها و آرایشی‌ها و رازها و بالطبع با مبهم گذاشتن پاره‌ای از مسائل، که باید صریح و دقیق طرح و تنظیم شوند، اجازه داد که حقی از زحمتکشان - این صاحبان اصلی انقلاب - تضییع شود. این جانب حساس تهیه و تدوین

با شیوه‌های مقتضی، آن را به‌طور موثر و کارساز، فعال در خدمت طبقه کارگر و پیش‌برد امر انقلاب در این محدوده، قرار داد. برای این کار کمک خود کارگران و نمایندگان آنان بی‌دریغ است و تجربه آنان گرانبهادر. نکته این جاست که وجود مفتنم سندیکاها و شوراها را باید با ارج گذاشتن به فعالیت و نقش آنها و با حمایت فعال از آنها همراه کرد. این درست است که علی‌رغم تصریح قانون اساسی در این زمینه، هنوز - همان‌طور که وزیر کار می‌گوید - گام‌های عملی برداشته‌ایم و حدود تاثیر این نهادهای صنفی - انقلابی چندان مشخص نیست. درست از همین مبدا باید به مشکل مدیریت رسید. اگر شوراها کارکنان را، که از جمله نمایندگان برگزیده کارگران را شامل می‌شوند، در کار نظارت، بررسی، تصمیم‌گیری و عملی کردن برنامه‌ها به‌بازی نگیریم، محققاً غلبه بر «مسئله مدیریت» نه تنها آسان نخواهد بود، بلکه احتمالاً

**چرا قانون کار باید از نظر جامع، صریح و قاطع، خالی از ابهام و در بندبند خود مدافع بی چون و چرای منافع طبقه کارگر باشد.**

چشم‌انداز روشنی را ترسیم خواهد کرد. وزیر کار می‌گوید: «اگر دولت، در امر تعیین مدیران کارخانجات ملی شده قدری بیشتر دقت نماید، خوب خواهد شد.» به‌عنوان تزییق ضوابط و باید روشن کرد که این «قدری بیشتر دقت»، به معنای تزییق ضوابط انقلابی در تعیین سرپرست‌ها است، تا نمایندگان سرمایه‌داران بزرگ، عناصر غیر انقلابی، نا آشنا به درد جامعه و بیگانه با خواسته‌های زحمتکشان، ناهق بر کرسی مدیریت تکیه نزنند. خلاصه کنیم: «مدیریت واحدها دارای اهمیت زیادی است. امروزه

همان‌طور که وزیر کار تصریح می‌کند - «سرمایه‌داری بزرگ» و ام‌الفساد قرن یعنی امپریالیسم جهانی و در راس آن آمریکا، کوشیدند تا با محاصره اقتصادی، خالی کردن ذخایر مواد اولیه، در تنگنا گذاشتن شاخه‌های تولیدی از نظر وسایل و قطعات یدکی، خارج کردن دستگاه‌ها، بیرون بردن سرمایه‌ها... تولید ما را مختل کند، امکان احیاء و بازسازی آن را به حداقل ممکن کاهش دهند و - بستی را ایجاد کنند که بزم آن‌ها تنها با برقراری مناسبات پیشین، یعنی وابستگی مجدد به امپریالیسم، شکسته شود. در این راه، آنها از وسایل گوناگون از واقیعت‌های دردناک موجود در کشور ما سود جستند. این همان چیزی است که باید درس لازم را به همه انقلابیون ایران بدهد.

ما وابستگی را نمی‌خواهیم، برقراری مجدد سلطه سرمایه‌داری بزرگ را نمی‌پذیریم، از ملی‌سودن شاخه‌های عمده تولید و توزیع و خدمات و ایجاد بخش گسترده تعاونی در حد واسط، به تصریح قانون اساسی، جانبداری می‌کنیم. این راه را شروع کرده‌ایم و مسئله‌نامه یاری انقلاب و دم مسیحایی حمایت توده‌های آن، تا به آخر طی خواهیم کرد.

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورشکستگی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به «یاری و مقاومت مردم» اشاره می‌کند.

بدیهی است که این کار مستلزم ایجاد آن‌چنان نظمی در وزارت کار است که به کلی با آهنگ حرکت و سمت آن در نظام طاغوتی پیشین متفاوت و متضاد باشد. باید روح انقلابی را در بند بند این نهاد، حلول داد و

آقای محمد میرمحمد صادقی، وزیر کار و امور اجتماعی، روز سوم آذر ماه جاری، طی یک کنفرانس مطبوعاتی، درباره مسائل کار و کارگری سخن گفت و خط مشی انقلابی آینده را در این زمینه ترسیم کرد.

وزیر کار در پاسخ به سؤال‌هایی که در مجموع عمده‌ترین مسائل کارگری را در برمی‌گرفت، به‌کمبودها و تنگناها و نیز هدف‌ها و روش‌های حوزه مسئولیت خود پرداخت. نظر به اهمیت موضوع، شایسته است بار دیگر، هر چند مختصر آن را مورد بحث قرار دهیم.

نخستین نکته‌ای که باید تصریح کرد این است که: صراحت و قاطعیت سخنان وزیر کار و موضع‌گیری آشکار ایشان به‌سود طبقه کارگر ایران و برای مقابله با دشواری‌های گسترده کنونی، درست، بجای و امیدبخش است. طبقه کارگر ایران و همه

**چرا راه‌اندازی عموم واحدهای تولیدی، گسترش تولید، مبارزه با ستون پنجم دشمن در کارخانه‌ها و تکیه بر انجمن‌های صنفی - انقلابی کارگری در همه زمینه‌ها، بویژه در تهیه و تدوین قانون کار، از وظایف اولیه وزارت کار و امور اجتماعی است.**

زحمتکشان ایران و عموم مردم انقلابی ایران، که با عزم استوار به‌پاخاسته - اند تا نظمی نوین را بی‌ریزی کنند و در جهت استقلال و ترقی جامعه، خویش به هرفداکاری تن در دهند، پشتیبان قاطع اقدامات انقلابی عموم مسئولین و از جمله وزیر کار هستند. درست همین‌پشتوانه توده‌ای، انقلابی و ماندگار است که به دست‌اندرکاران نظام انقلابی امکان می‌دهد، در مقابله با دشواری‌ها و کارشکنی‌ها، هر سدی را از پیش یا بردارند و از سنگ اندازی‌ها بی‌بی‌بی به‌دل راه ندهند. در برابر این حمایت بی‌چون و چرا، انتظار زحمتکشان کاملاً انقلابی و طبیعی دارد. آنان چشم امید خود را به نابودی ستم و استثمار لجام - گسیخته بسته‌اند و می‌دانند که این رسالت تاریخ‌ساز باطنی چه راه‌دشوار بفرخ و طولانی به‌تر خواهد رسید.

اما آنچه اینجا و اکنون در برابر همگان قامت افراشته است به‌طور عمده مسائلی از قبیل بیکاری و اشتغال، تدوین قانون کار، لغو ضوابط ضد کارگری و مهار کردن کارفرمایان، راه - اندازی واحدهای تولیدی، مساله مالکیت این واحدها، چارچوب کار، فعالیت و اساسا موجودیت انجمن - های صنفی کارگری (شورا و سندیکا) مدیریت تولید، شیوه‌کار و تشکیلات وزارت کار، نحوه مقابله با توطئه - های ضد انقلاب و عناصر دشمن در کارخانه‌ها و پاکسازی آن‌ها است.

بیکاری، واقعیتی است که آقای میرمحمد صادقی به‌درستی آن را از عوارض مبارزه بی‌امان برای تغییر نظام طاغوتی گذشته، و بویژه مانی از عملکرد امپریالیسم آمریکا در ارتباط با وضع اجتماعی و انقلاب ایران می‌داند. بیکاری، البته در مواردی نیز ناشی از کارنامه ضعیف و اشتباه‌آمیز برخی از مسئولان، مخصوص در دوره دولت موقت - «نام‌به‌گام» است.

بیکاری، که در ذات نظام سرمایه‌داری است، مسلماً برای یک نظام انقلابی و خلقی به‌منه یک بیماری علاج‌پذیر جلوه‌گر می‌شود، که می‌توان و باید با طرح و اجرای برنامه‌های عین در جهت نابودی آن‌گام برداشت. راه حلی که وزیر کار و امور اجتماعی ارائه می‌دهد یکی به تحرك درآوردن و بسط تعاونی‌ها است، که اگر خوب اقدام شود، می‌تواند زمینه‌برچیدن بساط سرمایه - داری بزرگ شود و جوانان ما را ترغیب به فعالیت تولیدی نماید. و مسئله دیگر که مد نظر داریم راه انداختن کارخانجات و کارگاه‌ها و زمین‌های کشاورزی راکد مانده است...

این راه حل در کل درست و تعیین کننده است. دشمنان انقلاب ما، و در راس



## تصویر

نام کارگر شهرت دیگری ندارم شیار رنج در پیشانیم ارثی و پینه‌های دستانم، قصه زندگی است پوستم؟ - در کارگاه زمانه دباغی شده من زره اتحادم جز نبرد و کار راهی ندارم سب و روز؟ فرقی ندارند. خواهران و برادرانم فرزندان و رفقایم باید آزاد زندگی کنند من هم می‌خواهم آزاد بمیرم برای این است که کار می‌کنم برای همین است که می‌جنگم.

جهان

## کارگران مبارز ایران!

در یک دست با ابزار کار

و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

### باز هم فتودالها حادثه آفریدند ونماینده دهقانان را کشتند

## دستشان کوتاه وریشه‌شان برکنده باد

در سپیده دم روز سه شنبه ۱۳۵۹/۸/۱۲ در روستای دوبان نزدیک شهر داراب حدود ۴ کیلومتری داراب در جاده بین ده و داراب چندین نفر از افراد وابسته به خانواده یکی از مالکهای دوبان بنام آقای کربلایی حیدر رستمی به نمایندگی روستائیان که شخصی مبارز و ضد فتودال بنام بهروز بخت که همکاریهای پرارزشی با هیئت هفت نفری نیز داشت و حشیانه با چوب و چماق و اسلحه گرم حمله نموده و او را شهید نمودند و سپس جسد او را توسط ماشین حمل نموده و چندین کیلومتر آنطرفتر در نزدیکی پیرمرا در زیر یک ماشین شن پنهان نموده بودند که در حدود ساعت ده صبح جسد توسط روستائیان کشف گردید.

در حمله سبانه که به آقای بهروز بخت تعویض نموده بودند بازوی راست و پای راست در اثر ضربات چماق و میله آهنی کاملاً شکسته و خرد شده بود و به جرمه نامبرده نیز ضربات شدیدی زده بودند که شکستگی جمجمه در طرف راست نیز داده بود در رابطه با این قتل حیدر (رستمی) و چندین نفر دیگر نیز دستگیر شده اند که اکنون در زندان ژاندارمری داراب حبس میباشند. فعلاً ۵ نفر در این رابطه دستگیر شده اند.

این جنایت بزرگ مالکان نشان میدهد هنگامیکه منافع پلید طبقاتی آنها بخطر میافتد دهقانان حق طلب بیامی خیزند و دولت انقلابی هیئت ۷ نفری را برای احقاق حق بده میفرستند، از ارتکاب هیچ جنایتی رویگردان نمیشوند. خون بهروز بخت بزمن ریخت و یک قلب پرشورو مدافع دهقانان از طیش با زاریستادولی هرگز نه آن هیئت ۷ نفری که شهید با آن همکاری داشته دهقانان دوبان، نه هر دهقانی در استان فارس که این خبر را شنید او را فداکاری او را فراموش نخواهند کرد. و هرگز اجازه نخواهند داد این خون پایمال شود. صدام در خوزستان خون میریزد و ارباب در فارس، هر دو می‌کوشند تا بساط سلطه آمریکا و غارت وابستگان به آمریکا را دوباره به میهن انقلابی ما بازگردانند. ولی نه صدام موفق خواهد شد نه بزرگ مالکان اینها نیز عامل آمریکا و عامل طاغوت هستند.

حادثه جانگداز قتل دهقان مبارز بدست فتودالها زنگ خطر دیگری است. هشدار است که هر چه زودتر دست لیبرالهای سازشکار و روحانی نمایان مخالف خط امام که در خدمت فتودالها هستند کوتاه شود، آنها توطئه کرده اند تا هیئتهای ۷ نفری از بین بروند و لاقط اثر و عملی نداشته باشند. وظیفه همه انقلابیون و نهادهای مسئول است از موجودیت و فعالیت هیئتهای ۷ نفری و عمل آنها در جهت اجرای قانون و احقاق حق، در جهت لغای بزرگ مالکی جنایتکار و غارتگر آدمکش در جهت زمین دار کردن تهیدستان روستا دفاع کنند.

## مشکلات روستاهای کبوتر آهنگ

روستائیان آق تپه - داق داق آباد - پرورق و بیشتر روستاهای کبوتر آهنگ از کمبود نفت و گاز و تیل که لطمه شدیدی بر کشت محصولات با توجه به ضیق وقت، میزند گله مندند و خواهان رفع این مشکل هستند. قابل ذکر است که تعداد زیادی از این روستائیان زحمتکش از جمله ۴۲ نفر از روستائیان آق تپه و حدود ۱۵ نفر از روستائیان داق داق آباد و تعدادی از روستائیان پرورق و سایر روستاها بخاطر دفاع از میهن و دستاوردهای انقلابشان عازم جبهه های جنگ در غرب شدند که تعدادی از آنها به علت کسالت سن و عدم آشنائی به کاربرد اسلحه اجباراً برگشت داده شدند ولی آنها قصد دارند جبهه مقدشان را در پشت جبهه و در سنگرهای مزارع با تمام تلاش و قوا با تمام برسانند. برای این منظور رساندن گاز و تیل به این روستائیان زحمتکش اهمیت خاصی پیدا می کند. مشکلات دیگر روستائیان مربوط به بانک کشاورزی کبوتر آهنگ است.

## دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی

### وسپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده

### و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرید

نابرابری رژیم آریامهری راجشده اند، در بیرون راندن رژیم طاغوت سهم بسزایی داشتند. بعد از انقلاب، این دهقانان دیگر نمی توانستند شاهد باشند که همان مالکان بر آنها فرمانروایی کنند و همچنان بیشتر اراضی را در دست داشته باشند و علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه جینی کنند و با ایجاد ناراضی و پخش شایعات و خرابکاری میهن را تضعیف کنند. به همین جهت دهقانان بی زمین و کم زمین این روستا به دفعات، به صورت اعتراض دسته نابرایی رژیم آریامهری راجشده اند، در بیرون راندن رژیم طاغوت سهم بسزایی داشتند. بعد از انقلاب، این دهقانان دیگر نمی توانستند شاهد باشند که همان مالکان بر آنها فرمانروایی کنند و همچنان بیشتر اراضی را در دست داشته باشند و علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه جینی کنند و با ایجاد ناراضی و پخش شایعات و خرابکاری میهن را تضعیف کنند. به همین جهت دهقانان بی زمین و کم زمین این روستا به دفعات، به صورت اعتراض دسته

## مبارزات دهقانان روستای امیرآباد بابا رستم علیه مالک بزرگ روستا

روستای امیرآباد بابا رستم، در حومه شهرستان نهاوند (استان همدان) واقع است. جمعیت این روستا ۲۵۰ الی ۲۸۰ نفر است. دهقانان این روستا، که خود سالها طعم ظلم و

## مذری به روستا

# حمزه کلا در مازندران

روستای حمزه کلا، در جنوب بابل و در ۱۰ کیلومتری آن و در کنار جاده قدیم بابل - آمل، واقع است. بیش از ۱۷۰ خانوار دهقان در حمزه کلا، زندگی می کنند. محصول این روستا فقط برنج است.

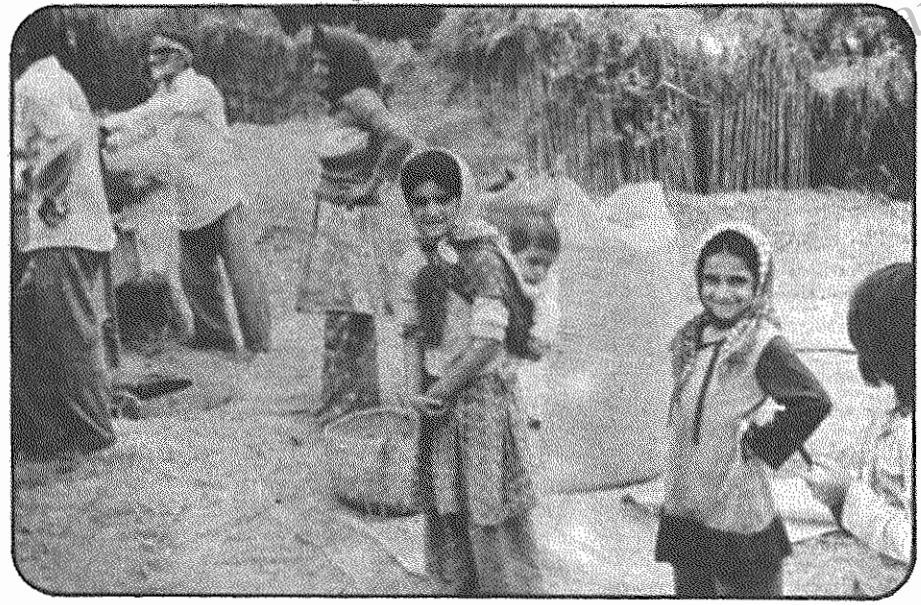
## خواست اصلی دهقانان، حل مسئله زمین است

در حمزه کلا، زمین به مقدار زیاد وجود ندارد، بنحویکه مجموع مساحت زمین های زیر کشت، ۴۰ هکتار است. هشتاد درصد (بیش از ۱۳۰ خانوار) دهقانان حمزه کلا، بی زمین هستند و بقیه دهقانان کم زمین اند. تنها چند خانوار زمین دارند. بزرگترین صاحب زمین در ده، تنها ۵ هکتار زمین دارد. بنابراین در این ده بزرگ مالکی نیست. بسیاری از دهقانان بی زمین حمزه کلا، به روستاهای اطراف آمل می روند تا روی زمین بزرگ مالکان زراعت کنند. آنها انتظار دارند که بعد از سالها کار، زمینها متعلق به آنها باشد.

مالکان و عناصر ضد انقلابی و روحانی - نمایان مخالف با خط امام به نتیجه برسد و جلوی فعالیت هیئت های ۷ نفره گرفته شود. موجودیت و فعالیت هیئت های هفت نفری در اجرای قانون یک عمل انقلابی است که خواست مصرانه دهقانان نیز است.

## با حل مشکلات میتوان به ازدیاد تولید کمک کرد

تهیه آب از مشکلات اساسی روستائیان حمزه کلا است. امسال بر اثر خشکسالی و نیاریدن باران، چاه آب بسیاری از منازل خشک و نیمه خشک شد و دهقانان از این جهت سخت در مضیقه قرار گرفتند. این روستا از نعمت آب لوله کشی بی بهره است در حالی که لوله اصلی آب آشامیدنی بابل، از کنار ده میگذرد. زنان این روستا مجبورند برای رختشویی و شستن ظروف از آب گل آلود شهری که از وسط روستا میگذرد، استفاده کنند. یکی از زنان در این باره میگوید: "مردم ده باید جلو بیفتند، با جهاد سازندگی صحبت کنند رختشویی خانه درست کنند، لوله کشی کنند تا مردم ده آب آشامیدنی داشته باشند." این روستا درمانگاه و مرکز بهداشتی ندارد. اهالی مجبورند بیماران را به مراکز بهداشتی بابل ببرند. ایجاد یک درمانگاه در این روستا که در ضمن مورد استفاده اهالی روستاهای اطراف نیز قرار گیرد، از خواسته های دیرینه اهالی این روستا است. حمام ده نیمه بهداشتی است بعلت رطوبت شدید، دیوارها پوشیده و در بعضی از نقاط ریخته اند. آنها از جهاد سازندگی می طلبند تا تعمیر و بهداشتی کردن حمام را بعهده گیرد. کوچه های ده را، با اولین ریزش باران، آب و گل فرا میگیرد بنحویکه عبور و مرور بسیار دشوار می شود. کمک جهاد سازندگی، برای حل این مشکلات مستقیماً



دهقانان حمزه کلا = بابل:

## با کمک به روستائیان، جبهه تولید را در پشت جبهه تقویت کنیم.

در کار و تولید دهقانان موثر واقع شد دهقانان این روستا بحق میخواهند که هر چه زودتر اراضی بزرگ مالکان اطراف منطقه بصورت مالکیت مشاع به آنها واگذار شود تا آنها از جوهر ستم چندین ساله مالک که جان آنها را به لب رسانده است، برهند. وضع ارضی ایجاد می کند که برای حل مسئله زمین در این روستا تولید تعاونی را بوجود آورد. همچنین ایجاد صنایع جنبی برای جذب نیروهای کار ضروری است. دهقانان این روستا حاضرند با جان و دل چه در جبهه جنگ و چه در جبهه تولید و کشت بیشتر از انقلاب دفاع کنند.

دهقانان بی زمین حمزه کلا، دو نماینده از بین خود انتخاب کردند. آنها به نهادهای مختلف انقلابی، وزارت کشاورزی، استانداری مازندران و حتی به دفتر امام رفته اند و شرح حال خود را بازگفته اند تا مشکل اساسی ۱۳۰ خانوار، یعنی مسئله زمین را حل کنند. متأسفانه تاکنون تصمیم قاطعی در مورد حل این مشکل بزرگ، از جانب مقامات مسئول گرفته نشده است. آنها به اقدامات هیئت ۷ نفره واگذاری زمین که در بابل تشکیل شده است چشم امید دوخته اند. و ابدا نمیتوانند قبول کنند که تشبثات لیبرالها و بزرگ

جمعیت و شکایتنامه، نفرت و انزجار خود را نسبت به مالک ابرار داشته اند و در اعتراض نامه خود از مقامات مسئول خواسته اند که قانون مصوبه شورای انقلاب را دقیقاً اجرا کنند و زمینهایی را که مالک غصب کرده، به دهقانان که صاحبان واقعی زمین اند و در ازدیاد محصول زمینفع اند، واگذار کنند. به علاوه دهقانان خواهان ایجاد دبستان، حمام، غسل خانه، کشیدن برق، تأمین آب آشامیدنی، تأمین بهداشت و دیگر نیازهای ضروری اولیه زندگی هستند. دهقانان زحمتکش چشم انتظارند. تأخیر در امر واگذاری زمین و تصویب کار هیئت ۷ نفری تا سفاکتیز است. برای انجام این امر مهم انقلابی و انسانی، باید به هیئت های واگذاری و تقسیم اراضی کمک کرد و جلوی خرابکاری ها و کارشکنی ها را گرفت. کارشایط کنونی باید گرفت.

نورالدین کیانوری (۲) «پرسش و پاسخ»

شخصیت‌های خلقی و ضدانگیزه‌پرستانه نباید با لیبرال‌ها در یک صف قرار گیرند

۳- آیا کشورهای جبهه پایداری که با قاطعیت از انقلاب ایران در مقابل تجاوز آمریکا - عراق پشتیبانی میکنند وابسته هستند؟  
۴- فحاشی، تهمت زنی و تحریک زبینه روزنامه‌های مدعی وفاداری به آرمان‌های انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیست (درباره اظهارات اخیر روزنامه جمهوری اسلامی)

جلسه مرسوم پرسش و پاسخ روز یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۵۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، تشکیل شد. رفیق کیانوری به پرسش‌هایی که شرکت‌کنندگان در جلسه مطرح کردند، پاسخ گفت. بخش اول این پرسش و پاسخ در شماره دیروز «نامه مردم» درج شد و ادامه آن در این شماره به چاپ می‌رسد.

س: آقای بنی‌صدر در مصاحبه مطبوعاتی روز چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۵۹، در برابر پرسشی مبنی بر این که آیا نزدیکی به کشورهای وابسته نظیر سوریه، لیبی و الجزایر، پشت پازدن به شعار "نه شرقی و نه غربی" نیست، پاسخ داد: البته در وابستگی این کشورها بحث است. لطفاً در این مورد توضیح دهید.

ج: این سؤال کننده ظاهراً باید نماینده روزنامه "عدالت" باشد و اگر من اشتباه می‌کنم معذرت می‌خواهم. در نظر ما مؤثقت، هر کس که نوکر آمریکا نیست، مسلماً وابسته به اتحاد شوروی است. مثلاً هندوستان به نظر این‌ها وابسته است و هر کشوری که مناسبات سیاسی عادی دودستانه با کشورهای سوسیالیستی دارد، به نظر ما مؤثقت‌ها که الان ستون پنجم امپریالیسم رادرجان تشکیل می‌دهند، وابسته است. خوب آقای بنی‌صدر در این جا جوابی داده که چیزی از آن نمی‌شود فهمید او گفته است: "البته در وابستگی این کشورها بحث است". نمی‌شود فهمید که آیا آقای بنی‌صدر هم معتقد است که این کشورها به شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی "وابسته" اند یا نه. این هم یک شیوه‌ای است که جواب صریح به مسائل ندهند. خوب بالاخره خیلی صریح می‌شود مطلب خود را گفت. از این جواب مکنی است شخص این‌طور بفهمد که جواب‌دهنده عقیده دارد که: بله من هم مثل شما معتقدم که این‌ها وابسته هستند، ولی گفتن این مطلب در شرایط کنونی دشوار است و یک مقام مسئولیت‌دار در رابطه با کشورهای که با این قاطعیت از انقلاب ایران در مقابل تجاوز آمریکا - عراق پشتیبانی کرده‌اند، نمی‌تواند بگوید که آنها وابسته‌اند و استقلال ندارند. البته اگر چنین چیزی گفته شود، یک مطلب دیگر هم ناچور درمی‌آید، یعنی اگر مثلاً آن مؤثقت، ادعا کند که این کشورها به اتحاد شوروی وابسته هستند، آنوقت حمایت بی‌دریغ آن‌ها از انقلاب ایران و این‌که مثلاً لیبی حاضر شده است هر چه در اختیار، برای تقویت انقلاب ایران، در جنگ علیه تجاوز آمریکا - عراق در اختیار ایران قرار دهد، این هم قاعدتاً باید به دستور اتحاد شوروی باشد، چون یک کشور وابسته که بدون گرفتن دستور این کار را نمی‌کند. چنین ادعایی ناچور از کار درمی‌آید، زیرا نتیجه این خواهد شد که کشورهای سوسیالیستی هم مثل آن کشورهای وابسته به خود با تمام قوا از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند. پس می‌بینیم که جواب صریح دادن به این سؤال دو سه جا نقص پیدا می‌کند و به این جهت شیوه رایج و راحتی به کار می‌رود که جوابی داده شود که هیچ مدرکی به دست ندهد و در عین حال هم "آره" باشد و هم "نه".

ما نکته‌هایی از این شیوه را در موارد دیگر هم سراغ داریم. مثلاً در مورد مالکیت، از مقام مربوط می‌پرسند که مالکیت سرمایه‌داری را چه جور باید محدود کرد تا اقتصاد کشور راه بیفتد. جوابی که داده می‌شود این است که مالکیت در رونق اقتصادی و تولید نقش تعیین‌کننده ندارد یعنی اگر تمام دارایی و ثروت یک کشور مثل دوران طاغوت، متعلق به یک فرد شاه هم باشد، هیچ تأثیری در رونق اقتصادی و تولید نخواهد کرد. می‌توان سرمایه‌داری و از جمله سرمایه‌داری وابسته را هم حفظ کرد، ولی فقط "امنیت و ثبات منزلت‌ها برجا باشد". ببینید جواب جقدر کشدار است. "امنیت و ثبات منزلت" حالاهای بروه‌دانه‌المعارف رجوع کن و ببین مقصود از "امنیت چیست؟ ثبات منزلت" یعنی چه؟ و بعد این گفته که انسان باید حقوق و تکالیف قانونی خود را بداند و این حقوق و تکالیف دارای چنان تضمین‌های قانونی باشد که کسی نتواند به آن تجاوز کند، یعنی چه؟ یعنی این که سرمایه دار باید بداند که می‌تواند یک میلیارد داشته باشد و هیچ کس هم نتواند به این حقوق تجاوز کند! از این جمله خیلی چیزها می‌شود فهمید. ما البته با چنین برخوردهایی به مسائل اساسی که تعیین‌کننده سرنوشت اجتماعی ایران است، نمی‌توانیم موافق باشیم و این برخوردها را لوث کننده مسئولیت می‌دانیم.

س: چرا روزنامه "جمهوری اسلامی" به بهانه‌های مختلف به حزب توده ایران حمله می‌کند؟ چرا روزنامه "جمهوری اسلامی" درست از همان زمانی که سیاستش با نظرگاه‌های حزب توده ایران نزدیک‌تر می‌شود، به این حزب نام‌ها می‌گذارد؟ چرا روزنامه "جمهوری اسلامی" علیه حزب توده ایران اعلام جرم کرده است؟ آیا بدین وسیله می‌خواهد بی-اساس بودن تبلیغات لیبرال‌ها را در مورد "نزدیکی" حزب جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، نشان دهد؟

ج: در این جا به هیچ وجه صحبت "نزدیکی" در میان نیست. حزب توده ایران از قبل از انقلاب و به ویژه از آغاز فعالیت علنی‌اش، کوشیده است در حدود امکانات واقعی خود (تصریح می‌کنم که در حدود امکانات واقعی خود) نظریاتش را در زمینه کلیه شئون زندگی اجتماعی با صراحت کامل بیان کند و هیچگاه بیم نداشته است که بیان یک حقیقت مهم مربوط به سرنوشت انقلاب ایران، حتی آزادی فعالیت حزب توده ایران را به خطر اندازد. در این زمینه ما آنقدر دلیل و نمونه داریم که کمتر کسی می‌تواند تردید کند.

و اما در مورد این بخش‌های دیگر از نیروهای اجتماعی که در آغاز انقلاب با بعضی از موضع‌گیری‌های حزب توده ایران موافق نبودند یعنی مبارزه انقلابی هنوز صحت ارزیابی‌های ما را به آن‌ها ثابت نکرده بود، حالا با تجربه خود و در میدان عمل کم‌کم به درستی بسیاری از این ارزیابی‌ها پی برده و می‌برند. باید گفت که این واقعیت اجتماعی تمام انقلاب‌ها و جنبش‌های انقلابی جهان در طول صد و سی سال اخیر است. اولین کسانی که گفتند امپریالیسم یک رژیم غارتگر و جنایتکار است تعدادشان بسیار کم بود. ماهیت این بدیده، نوین تکامل سرمایه‌داری غارتگر یعنی امپریالیسم که تعریف علمی آن را نخستین بار لنین بیان داشت، در آغاز بر عده بسیار معدودی شناخته بود. ولی امروز نه فقط کمونیست‌ها، بلکه صدها و صدها میلیون افراد ضد امپریالیسم در سراسر جهان به ماهیت امپریالیسم به عنوان یک رژیم غارتگر و جنایت پیغمه، پی برده‌اند. اکنون این شناخت

کوی سبقت از دیگران برپا بود در این زمینه گاه مطالبی نشر می‌دهد که حتی رئیس جمهوری را هم به دام می‌اندازد. مثلاً اشاعه این دروغ صریح که گویا حزب توده ایران برای چیتنگ وسیعی که در چند روز پیش در افغانستان تشکیل شد و حجت‌الاسلام خلیلی در آن صحبت کرد، با گامیون به روستاها رفته و آدم آورده است. البته ما از آقای سلامتیان انتظار نداریم که از این حد بالاتر برود و متین‌تر از این عمل کند. این شیوه‌ها در شان و در حد اوست. ولی روزنامه "انقلاب اسلامی" هر چه باشد نام رئیس جمهور را بر خود دارد و ما متأسفیم که روزنامه‌های که مسئولیتش با خود رئیس جمهور است، به چنین تقصیرهایی دست بزنند و با چنین لاپلاطاتی، در صدد تحریک و مشوب کردن ذهن رئیس جمهور برآید. در نتیجه همین تحریکات و فتنه‌انگیزی‌ها است که برای رئیس جمهور این تصور پیش می‌آید که گویا حزب توده ایران و چریک‌های فدایی خلق - اکثریت - در فلان محل، دودسته شده و یک‌دسته از روحانیت مبارز و یک دسته از بدین وسیله جنگ حیدری - نعمتی راه می‌اندازند. البته ما فکر می‌کنیم که آقای بنی‌صدر از سیاست حزب توده ایران و به خصوص از انضباط حزب توده ایران حتماً اطلاع کافی دارد. در سازمان‌های دیگر ممکن است این پدیده مشاهده شود که این گروه یا آن گروه برای خود سیاست جداگانه‌ای در پیش گیرند و به اعمال جداگانه‌ای دست بزنند. ولی حزب توده ایران هرگز در جهت تشدید اختلاف بین رئیس جمهور و مجلس، بین رئیس جمهور و روحانیت مبارز، کام برنداشته و بر نمی‌دارد. ما همیشه با صراحت و قاطعیت گفته‌ایم که این اختلافات، تا آنجا که ظرفین اختلاف به اصول سمت‌گیری انقلاب یعنی به ضرورت مبارزه علیه امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم آمریکا، به ضرورت مبارزه برای تغییرات بنیادی به سود خلق و در شرایط کنونی به ضرورت تجهیز همه نیروها برای درهم شکستن تجاوز عراق، اعتقاد دارند، باید مسکوت بماند و از تشدید آن جدا جلوگیری شود. این مطلب را ما بارها در نشریات خود اعلام کرده و لزوم مراعات یک آتش‌ساز را لاقلاً برای دوران جنگ، خاطر نشان ساخته‌ایم.

حال که مطلب به اینجا رسید، یک نکته را هم در باره "ثوری" "القاء" ایدئولوژی باید توضیح دهیم. ظاهراً این "ثوری" را غضنفر یور وضع کرده است و این مطلب موجب تعجب ما شد، چون ما تاکنون توانایی وضع چنین "ثوری"‌هایی را در اوسراغ نداشتیم. ولی در یکی از بخش‌های "کارنامه" رئیس جمهور مطلبی دیدیم که به همین "ثوری" مربوط می‌شد و روزنامه‌ها مؤثقتی زنجیر هم عین آن را با یک تیتیر درست تحریک‌آمیز نقل کرد. در این بخش از "کارنامه"، از جمله چنین آمده بود: "روشی که این‌ها (یعنی حزب توده ایران) برای القاء ایدئولوژی دارند به این ترتیب است که عناصری از آن‌ها رنگ ایدئولوژی که مال خودشان نیست و به اصطلاح غالب است را به خودشان می‌دهند". این یعنی چه؟ یعنی این که حزب توده ایران یک ایدئولوژی را که مال خودش نیست، مثلاً ایدئولوژی اسلامی را قبول می‌کند و قیافه مسلمان به خود می‌گیرد و بعد می‌رود در خطر روحانیت مبارز و آنوقت که هماهنگی بین کسانی که ایدئولوژی مارکسیستی را طبق دستور "بر قدرت روس" تبلیغ می‌کنند، یعنی حزب توده ایران و کسانی که رنگ ایدئولوژی غالب بر جامعه را پذیرفته‌اند - یعنی "تازه مسلمان‌های توده‌ای" (به قول آقای رئیس‌جمهور) یا "توده‌های مغم در لباس روحانیت" به وجود می‌آید.

این "سناریو" که برای ما درست کرده‌اند، البته خیلی جالب است، منتها باید بگوییم که آدرس و آن هم دو آدرس را عوضی گرفته‌اند: یکی آدرس روحانیت مبارز که "سناریو" دعوی دارد، توده‌های ما در میان آن‌ها رسوخ کرده‌اند و آن‌ها را "می‌گردانند" و دیگری آدرس حزب توده ایران. این "سناریو" درست با شیوه‌هایی تطبیق می‌کند که مؤثقت‌های ایرانی در یک مرحله تاریخی یعنی هنگامی که بر سر آمدند که آن خنجر تاریخی را از پشت به مجاهدین خلق زدند و بخشی از سازمان مجاهدین خلق را به سازمان مؤثقتی آمریکا ساخته "پیکار" مبدل کردند. آن‌ها با خود آقای بنی‌صدر هم دارند به همین نحو عمل می‌کنند. چه کسانی ایدئولوژی به اصطلاح مارکسیستی خودشان را رها ساخته و ایدئولوژی غالب را انتخاب کرده‌اند؟ ما می‌توانیم چند "مارکسیست" آمریکا ساخته مؤثقت را نام ببریم که الان دوروبر ایشان و جزا افتار هستند. البته این‌ها دعوی دارند که از گناهان گذشته توبه کرده و اسلام آورده‌اند. چه کسانی ثوری "سجبان" را باوشکی و باغونو دیگر آوردند و به نام ایدئولوژی تازه انتخاب شده خود جاز دادند؟ پس این وصله "القاء" ایدئولوژی "به بیکر حزب ما نمی‌چسبد. و اما برخورد ما به حملات گوناگونی که به حزب توده ایران انجام می‌گیرد، بر - خورد‌های متفاوتی است. مثلاً برخورد به روزنامه "میزان" برخوردی نیست که به ضد انقلاب داریم. همچنین برخورد ما به لیبرال‌های "میزان" با برخورد ما به مؤثقت‌ها و برخورد ما به این‌ها خبری با برخورد به برخی از اطرافدارین آقای بنی‌صدر، متفاوت است. برخوردی هم که ما به تمام این طیف داریم با برخوردی که روزنامه "جمهوری اسلامی" با ما دارد یا سایر گروه‌های اسلامی مثلاً نشریه "سیاه پاسداران" یا ما دارند، به هیچ وجه یکی نیست. ما در هر موردی با بررسی دقیق چگونگی هدف‌ها و انگیزه‌ها موضوع گیری می‌کنیم. ولی یک نکته را به همه مخالفان خود یادآوری می‌شویم و آن این که اصلاً ب ما فوق‌العاده محکم و آهنین است. ما در هیچ موردی از میدان در نخواهیم رفت. صدوسی و دو سال است که هواداران سوسیالیسم علمی آماج اتهامات و ناسازگاری هستند که این‌ها الان نتار ما می‌کنند. تمام مطبوعات ارتجاع جهانی، از مطبوعات وابسته به امپراتوران و قیصرهای اروپا و تاجداران آسیا و آفریقا گرفته تا مطبوعات بورژوازی و تمام دستگاه تبلیغات امروزی امپریالیسم، با بدترین و رکیک‌ترین الفاظ و اتهامات به هواداران سوسیالیسم علمی ساخته و بی‌تازند. در این زمینه دیگر جای "ابتکار" برای کسی باقی نمانده است و همان الفاظ رکیک قدیمی را هم باید تکرار کنند.

ما متأسفیم از این که سازمان مجاهدین خلق هم به نام یکی از گروه‌های وابسته خودش همین شیوه مبتذل را به کار برده است. همان‌طور که دفعه پیش گفتیم، ما هنوز هم می‌خواهیم تردید کنیم که این عمل واقعا با نظر رهبری سازمان مجاهدین خلق انجام گرفته باشد. ولی مثل این که زمان دارد می‌گوید، نه، تردید شما بیجا است و آنها هم با کمال تأسف در همین وسط افتاده‌اند. امیدواریم که این فقط تصادفی و اتفاقی و ناشی از یک اشتباه جدی باشد و سازمان مجاهدین خلق به این سطح که شایسته مبارزات دوران گذشته آنها نیست، نیفتاده باشد. جریان نشان خواهد داد که این امید ما به جا بوده یا این که ما در این جا اشتباه کرده‌ایم. و اگر اشتباه کرده باشیم، خیلی متأسف خواهیم شد.

ادامه دارد

نه فقط در جامعه ما، بلکه در تمام جوامع فراگیر می‌شود. زمانی بود که مالکیت فئودالی، مالکیت اربابان بزرگ مالک، "مقدس" به شمار می‌رفت. در ایران ما تا همین چند روز پیش در "مقدس" بودن این مالکیت حرفی نبود. بنجاه سال پیش کسی که می‌خواست علیه "مقدس" بودن مالکیت یک بزرگ مالک حرفی بزند، سنگسار می‌کردند. ولی امروز میلیون‌ها نفر از مردم جامعه ما به این نتیجه رسیده‌اند که بزرگ مالکی یک نظام غارتگر اجتماعی است. پس طبیعی است که در جریان مبارزه علیه دشمنان انقلاب ایران، بخش‌های گوناگونی از انقلابیون راستین ایران به شناخت‌های تازه‌ای برسند که حزب ما دهها سال پیش به آن رسیده بود. باید توجه داشت که ما روی هم رست سال‌ها مبارزه در جامعه ایران پشت سر خود داریم.

هیچ سازمان سیاسی و هیچ نیروی سیاسی دیگری و حتی هیچ فرد جداگانه‌ای چنین تاریخی از مبارزه و چنین تجربه سرشاری ندارد. تازه علاوه بر همه این‌ها، ما همیشه کوشیده‌ایم از تجربه انقلابی خلق‌های دیگر جهان نیز به معنی حقیقی کلمه، بهره‌گیری کنیم، این تجربه‌ها را مطالعه کنیم و هر آنچرا که در این تجربه‌ها سودمند تشخیص دهیم، به کار بگیریم. با چنین واقعیتی، این غیر عادی نیست که کسانی امروز به همان شناختی برسند که ما یک دوره پیش به آن رسیده‌ایم. بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات علوم اجتماعی را نخستین بار حزب توده ایران در مطبوعات ایران و در زبان فارسی به کار گرفته است. همین واژه "لیبرالیسم" و "بورژوازی لیبرال" هم که امروز دیگر به فحش تبدیل شده و اکثر در مجلس به کسی بگویند لیبرال، خودش را توهین شده تلقی می‌کند، مثل این که اول بار توسط ما در فرهنگ سیاسی ایران وارد شده است، زیرا نخستین بار ما بودیم که در مبارزات سیاسی روی این مفهوم تکیه کردیم و حالا در معنای وسیع آن را شناخته‌اند. پس این طبیعی است که نیروهای اصیل انقلابی به تدریج به شناخت‌هایی برسند که در گذشته نداشتند. مثلاً در دوران حکومت موقت، بخشی از نیروهایی که امروز شدیداً علیه لیبرالیسم مبارزه می‌کنند، ما همین لیبرال‌ها که در دولت بودند، همگامی کامل نزدیک داشتند و اگر ما در آن زمان علیه لیبرال‌ها صحبت می‌کردیم، تندیها به ماحمله می‌کردند و می‌گفتند شما به دولت انقلابی ایران که مورد تأیید امام هم هست، توهین می‌کنید، ولی حالا دولت "گام به گام" و "دولت موقت" خودش شده فحش و بعضی‌ها سعی دارند ثابت کنند که در آن دوران با دولت "گام به گام" موافق نبوده و در جبهه مخالفین قرار داشته‌اند.

و اما در مورد انگیزه‌های حمله به حزب توده ایران، همان‌طور که قبلاً هم به تفصیل گفته‌ایم، دشمنان و مخالفان حزب ما طیف بسیار گسترده‌ای دارند. و در همه نقاط دیگر دنیا هم بیرون سوسیالیسم علمی، از ابتدای پیدایش آن، همین‌ها با طیف عظیمی از مخالفان و دشمنان سرخست و روبرو بوده‌اند. حتی علیه حزب ما در استانی که آن‌ها را درک نمی‌کردند و می‌توانست می‌تاختند. مثلاً همین سازمان چریک‌های فدایی خلق - اکثریت - که آنها خود را بیرون سوسیالیسم علمی اعلام می‌کنند، تاریخچه‌ای از دشمنی و آزاری که به حزب ما پشت سر دارند که اگر بخوایم همه آن‌ها را جمع کنیم، ششوی هفتاد می‌شود. با این وصف، لیبرال‌ها دیگر جای خود ندارند. آن‌ها در وجود حزب ما بزرگ‌ترین دشمن خود را می‌بینند، برادر مسترگدی که می‌زنند ما اولین نیرویی هستیم که آن را افشا می‌کنیم و باین افشگری به دیگر نیروهای انقلابی هم کمک می‌کنیم تا آنها را شناسند و در دامشان نیفتند.

مخالفت با حزب ما، نگاه از طرف برخی نیروها شکل بسیار بچگانه به خود می‌گیرد. برخی از این مخالفان اصلاً حدی به مسائل برخورد نمی‌کنند و تنها به فحاشی و تحریکات پیش پا افتاده می‌پردازند. یکی از نمونه‌های آن همین مطلبی است که امروز در "نامه مردم" دیدید: جناب حاشیه‌نویس که واقفا در حاشیه عرصه واقعت‌های ایران نسته است، چنان مطالب کودکانه‌ای علیه حزب ما نوشته است که حتی دوستانش هم در حزب خودش اذعان خواهند کرد که این دیگر خیلی ابتدایی است و تصور این که حزب توده ایران چنین کاری بکند، احمقانه است و ممکن نیست که این حزب حاضر شود کتاب خود را "تقلبی" زیر پوشش نام دیگران به داخل مدارس بفرستد. مهم می‌دانند که کتاب‌های حزب توده ایران برای رسیدن به دست علاقمندان نیاز به این "تقلب"‌ها ندارند!

حال باید دید که انگیزه واقعی این تحریکات چیست؟ این کار دو انگیزه می‌تواند داشته باشد: یکی ناگفته‌ها و از روی یک دشمنی و کین تیزی بی‌منطق، مثل عمل کوته‌بینانه کسانی که ریختند دبیرخانه ما را چاپیدند و کتاب‌های ما را از بین بردند و یکی هم کاملاً آگاهانه که در این صورت باید آن را جزئی از یک توطئه علیه حزب توده ایران تلقی کرد. برای این که پشتیبانی صادقانه حزب توده ایران از جریان اصیل انقلابی ایران یعنی از خط امام، نه تنها دشمنان علی خط امام را عاصی کرده، بلکه عناصری را هم که ظاهراد خط امام هستند، ولی در جهت مخالف آن عمل می‌کنند، برافشته کرده‌اند اقدامات تخریبی علیه حزب توده ایران و علیه پشتیبانی آن از این سمت‌گیری اصیل و داشته است. انگیزه سومی که در این زمینه می‌توان تصور کرد این است که این عمل واقفا کودکانه، برای "تیرش" خود در قبال حملات روزنامه‌های "انقلاب اسلامی" و "میزان" انجام گرفته باشد که مدام تهمت می‌زنند که شما "زیر نفوذ" حزب توده ایران رفته‌اید و حزب توده ایران شما را "می‌گرداند". ولی در این صورت، مشکل بتوان گفت که فحش و ناسزا و توهین‌های رکیک تأثیر خیلی زیادی دارد. به هر حال در مورد انتخاب و کاربرد الفاظ رکیک و زننده، ما باید اذعان کنیم که در این میدان، در میدان فحاشی، ما فوق‌العاده ضعیف هستیم و بلافاصله جلوی این گونه مخالفان و دشمنان، لنگ خواهیم انداخت و ضمناً باید بگوییم که در صحنه سیاسی هر کسی از آن شیوه‌ها و وسیله‌هایی استفاده می‌کند که واقفا زبینه خود می‌داند. ولی ما امیدواریم که روزنامه "جمهوری اسلامی" که ما برای صاحب امتیاز آن و برای رهبران حزب جمهوری اسلامی صرف نظر از اختلاف نظرهای خود با آنان، احترام اجتماعی قاطم، اجازه ندهد که ارزش‌های انسانی را با این آزارها بین آوردند که در صحنه سیاسی چنین شیوه‌هایی را به کار گیرند. این برای ما باعث تأسف است. اگر چنین مطالبی در "زنجیر" و "عدالت" یا دیگر ورق‌های ترجمه‌های یوک و گروهک‌های آمریکا ساخته مؤثقتی می‌آید، ما تجسبی نمی‌گردیم، زیرا آنها جز این شیوه دیگری ندارند، ولی برای روزنامه جمهوری اسلامی با توجه به مسئولیت و رسالتی که برعهده گرفته است، به هیچ‌وجه شایسته نیست که به چنین شیوه‌هایی مبادرت ورزد.

متأسفانه این تنها روزنامه "جمهوری اسلامی" نیست که چنین برخوردی داشته است. روزنامه "انقلاب اسلامی" در این میدان سعی دارد

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، نمایندگان مجلس، ضمن نامه‌ای به امام خمینی، تاکید کردند که فرمان اخیر ایشان مبنی بر پیگیری شایعه شکنجه در زندانها، بادر دیگر ثابت کرد که: آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. اولین سخنران پیش از دستور این جلسه، قدرت‌الله نجفی بود، که در ارتباط با مسائل روز سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

سخن من از زبان مردمی است که اگر کسی به روحانیت مبارز آنها، سپاه پاسداران آنها... بتازده، رنج می‌برد و غصه می‌خورد. من نمی‌گویم این نهادها لغزشی ندارند، ولی می‌گویم که ملت دلسوخه زبان نصیحت را از این نهادها دریغ نمی‌دارد. اما افتخار سازنده با گویند تفاوت دارد. ناطق سپس افزود:

من از سوی مردمی صحبت می‌کنم که آرزو داشتند همه زمینها زیر کشت پرده، نه اینکه از یک طرف به آنها بگویند کشت کنید و از طرف دیگر کشت و پای آنها را بپندارند. چرا باید محصول کشاورزی ما یکسوم سال قبل شده باشد؟

نجفی آنگاه ضمن تاکید بر پاکسازی، اشاره کرد که این کار باید قائلانه و منطبق با حق و حقیقت و بدون از مقررات دست و پاگیری انجام شود.

نجفی در پایان از مسئولین استان اسفهان خواست که دهات خشک و بی‌آب و برق این منطقه را نجات بدهند. دومین ناطق پیش از دستور، مروی سماورچی، نماینده لر، بود که ضمن سخنانی، با اشاره به انقلاب بزرگ سد امیر یالیزی و مردمی ایران، اظهار داشت:

هدف جمهوری اسلامی ما والا و بالاست. آنهایی که امروز داد آزادی می‌زنند، مگر قانون اساسی را نمی‌بینند و به واقعیت قانون اساسی توجه ندارند.

### فحش نامه‌های صبح و عصر

وی افزود:

آنهایی که صبح و عصر فحش نامه به ملت مردم می‌دهند و مناجات سیاسی می‌نویسند، آیا آزادی اسلامی این است؟ چرا نمی‌خواهیم کرامت انسانی برای ما مطرح باشد... اینها با این چیزها می‌خواهند چیز دیگری را به خورد مردم بدهند، مردم اینها را می‌شناسند... چرا نباید آن‌ها که در اس مسائل هستند، به این نکات توجه کنند؟

ناطق سپس به روضه سینماها و تئاترهای کشور اشاره کرد و خواستار ارتقاء سطح فیلمها و دعوت هنرمندان مسئول به کار شد، او همچنین گفت:

چرا نباید از اشخاص متعدد دعوت به کار کنیم؟ مروی سماورچی در پایان خواستار رسیدگی به روضه منقش‌خداست ۵۶ شد.

ابوالفضل رضوی اردکانی سومین ناطق پیش از دستور بود. او سخنان خود را با درود به رزمندگان دلاور ایرانی در جبهه‌های جنگ شروع کرد و سپس گفت:

انقلاب ما امروز یکی از حساسترین برهه‌های خود را می‌گذراند... تنها جرم ملت ما این است که می‌گویند ما مستقیم و بپای استقلال سنگین است. ملت ما تاکنون از تمام فراز و نشیبها سرفراز بیرون آمده است.

### پسرمایه‌داران مهلت ندهید

آنگاه مجلس وارد دستور شد و آخرین بند طرح دیوان محاسبات مطرح گردید. پس از اتمام تصویب بندهای این طرح، یک لایحه در فوریتی در ارتباط با حفاظت و توسعه منابع ایران مطرح گردید، که به تقاضای عده‌ای از نمایندگان، از آن سلب فوریت شد.

محمدعلی هادی در توضیح این خواست، از جمله گفت: «از بعد از انقلاب با مسئله منابع و معادن برخورد درستی نشده است، حالا این بپای دلیل بوده در اوایل انقلاب ۸ میلیارد تومان اعتبار به صنایع اختصاص داده شده است، که این صنایعی که در دوران انقلاب ابرارکد مانده است، بکار گرفته

### در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

## دشمنان قسم خورده انقلاب و در رأس آنان آمریکا، تبلیغات مسمومی برپا کرده‌اند

نمایندگان مجلس در نامه‌ای به امام خمینی خواستار تکمیل شدن تحقیقات در مورد شکنجه شدگان

دشمنان انقلاب در جبهه‌های داخلی هر روز توطئه جدیدی می‌چینند  
احکام افراد تصفیه‌شده در وزارت آموزش و پرورش بزودی بررسی می‌شود

شوند. مقداری از این بودجه جذب شده و مقداری هم به خارج رفته و بعد آمده‌اند صنایع را تصفیه‌بندی کردند. یک مقداری از صنایع کلا مصادره شده، مقداری صنایع مصادره نشده، اما مهلت دادند به صاحبان صنایع که باینادوامهای خود را بپردازند.

ناطق سپس نتیجه‌گیری کرد: «ما حرفمان این است که اصلا کل این کارخانه‌ها باید به حایشان رسیدگی شود و بسیاری از این کارخانه‌ها هستند که طبق اصل ۹۶ قانون اساسی باید همه آنها به نفع ملت مصادره شوند، نه اینکه بیایند و دوباره مدت را بکشند. تا سرمایه‌داران بیچاره! دوباره یک مهلتی بیدار کنند و یک پولی بگیرند و از کشور خارج کنند».

پس از سخنان دکتر هادی، براساس رای اکثریت نمایندگان، از این لایحه سلب فوریت شد.

آنگاه گزارش کمیسیون دفاع مبنی بر رد طرح عده‌ای از نمایندگان درباره تأمین نیازمندیهای منقش‌خدمت‌های ۵۶ و خانواده آنها قرائت شد. کمیسیون دفاع دلیل آورده است که افراد شاغل در ادارها در طول خدمت از حقوق خود برخوردارند. در مورد بقیه نیز آن‌ها حقوقی معادل حقوق افسران، درجه‌داران و... دریافت می‌کنند.

### نامه نمایندگان به امام خمینی

سپس رئیس مجلس اعلام کرد که ۱۱۰ نفر از نمایندگان نامه‌ای به امام خمینی نوشته‌اند. یکی از نمایندگان این نامه را قرائت کرد. در این نامه خطاب به امام خمینی آمده است:

«اقدام قاطع شما مبنی بر تصفیه شکنجه‌گران احتمالی، روحی دیگر در کالبد ناآرامان شهید و یازدهم این معنا را دریافتیم که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. ای امام بزرگوار، دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی ایران و در رأس آنان شیطان بزرگ، که از ابتدای پیروزی انقلاب در پی مخلوش ساختن چهره زلال اسلام بودند، این بار با توطئه‌ای حساب شده توفانی از تبلیغات مسموم را تحت لوای دفاع از انسانیت و اسلام برپا کردند و جمله «در زندان شکنجه می‌شوند» را به دهان تمامی مرتجعین داخلی و خارجی انداختند. غافل از اینکه رهبر همیشه یبار و شهباز این نهضت اسلامی هر بار که توطئه‌ای را بیايد به میدان خواهد آمد و راه هرگونه تیرتگ و فریب را بر آنان خواهد بست. اما! ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی که خود را ناظر بر اجرای کامل قانون اساسی و مسئول پاسداری از حریم انسانیت می‌دانیم، ضمن سپاس از آن رهبر و فرمانده عظیم‌الشان خواسته‌های خود را با هیاتی که پذیرای این مسئولیت سنگین خواهد شد در میان می‌گذاریم:

۱- هرچه سریعتر افراد یا ارگان‌هایی که به چنین اعمال زشتی دست یازیده باشند، شناسایی و در اختیار محاکم صالحه قرار دهید تا به فرمان امام قصاص شوند.  
۲- اسامی و مشخصات فرد یا افرادی را که احتمالا شکنجه شده‌اند، با ذکر محل شکنجه در اختیار عموم قرار دهید.

۳- هرچه سریعتر افراد یا ارگان‌هایی که به چنین اعمال زشتی دست یازیده باشند، شناسایی و در اختیار محاکم صالحه قرار دهید تا به فرمان امام قصاص شوند.  
۴- اسامی و مشخصات فرد یا افرادی را که احتمالا شکنجه شده‌اند، با ذکر محل شکنجه در اختیار عموم قرار دهید.

دیگری که پیش آمد این بود که، گروههای پاکسازی به علت کمبود وقت مجبور شدند سرعاً پرونده‌ها را ببخوانند. در نتیجه آموزش و پرورش عده‌ای را آماده به خدمت داد، تا گروههای پاکسازی بتوانند دقیقا نظر بدهند. واقعا هم نگاه چاره‌اندیشند و افراد بسیار فاسدی بودند که مردم نمی‌توانستند آنها را تحمل کنند، البته در کنار اینها آدمهای بی‌گناهی هم بودند که شامل این موضوع شدند. در حال حاضر ۱۷ هزار نفر به اشکال مختلف پاکسازی و آماده به خدمت شده‌اند، بعضی جاها هم که آموزش و پرورش بطور کلی منحل شده است. در نتیجه دو گروه اعتراض دارند، یک گروه به عدم تصفیه اعتراض دارند و یک گروه هم به تصفیه‌های غیرقانونی و برضابطه اعتراض دارند.

در حال حاضر ما لایحه پاکسازی نداریم و آنچه که ما امروز مواجهیم این است که نه لایحه داریم، نه هیئت پاکسازی و مراجعه هم داریم. لذا ما فکر کردیم کلیه احکام صادر شده، قانونی یا غیرقانونی، درست یا بایر درست را فعلا متوقف می‌کنیم و شروع به تهیه لایحه منصف پاکسازی کرده‌ایم. این لایحه بزودی برای عرضه به مجلس آماده می‌شود. همچنین اعلام کرده‌ایم که هر که اعتراض دارد، اعتراض خود را بدهد، بعد براساس لایحه تصویب به مجلس مجددا احکام این افراد بررسی می‌شود و اگر ثابت شد که کسی در موردش ظلم شده، جبران می‌کنیم».

دکتر باهنر سپس افزود: «کسانی هم که اخراج شده‌اند و حق آنان است براساس مصوبه شورای انقلاب، به آنها تا یافتن کار دیگر، مقرر می‌شود».

وزیر آموزش و پرورش آنگاه به سئوال دیگری در مورد تصفیه معلمین تاکنون جواب داد و گفت:

«ما قبلا هم اعلام کرده‌ایم که اینگونه اشغال فعلا متوقف است».

دکتر باهنر سپس به مسئله نقش دانش‌آموزان در مدارس پرداخت و تاکید کرد که دانش‌آموزان از انقلاب خود دفاع خواهند کرد. او در پایان گفت:

«ما تصمیم داریم یک کاری در آموزش و پرورش انجام بدهیم و برای تفسیر کتاب و برنامه و تعلیم معلمین برای توسعه مدارس در سراسر کشور، برای پاکسازی این محیط‌ها، برای بازسازی در جهت فرهنگ اسلامی و انقلابی، طرح‌هایی داریم. از شما می‌خواهم به تدریس تصویب این طرح‌ها کمک کنید».

پس از پایان سخنان وزیر آموزش و پرورش، برومند یکی از نمایندگان سئوال‌کننده، مجدداً به تعطیل مدارس لرستان اعتراض کرد. او ضمن تایید پاکسازی گفت، افرادی که اگر انقلاب به پیروزی نمی‌رسید، اعدام می‌شدند، حالا تصفیه شده‌اند!

در اینجا جلسه مجلس به پایان رسید و رئیس مجلس اعلام کرد که جلسه روز یکشنبه آینده رسمی ولی بنظر غیرعلنی برگزار خواهد شد.

### در حاشیه

#### نقشه مشترک

هنکامی که یکی از نمایندگان در نطق قبل از دستور به اختلافها و تفرقه افکنی‌ها اشاره کرد، شجونی نماینده کرج گفت: «نقشه مشترک برای سقوط دولت، آقا!»

#### حذف بند تصویب شده!

پس از آنکه بند ۶ طرح دیوان محاسبات به تصویب رسید، آقای وحیدی، که ظاهراً متوجه این تصفیه نشده بود، تقاضای حذف این ماده را کرد. این موضوع باعث عصبانیت رئیس مجلس شد و او گفت: «آقا، این بند همین الان تصویب شده!»  
و آقای رحیمی پاسخ داد: «آقا، اگر اول صبح حالتون خوب نیست، بکین! و این باخنده همه، من جمله رئیس مجلس رو برود شد».

۴- تحقیقات را تا آخرین مراحل ممکن ادامه دهید، تا برای عموم روشن گردد که این نوع اعمال زیر نظر چه کسانی و با حکم کدام مقام انجام گرفته است.  
۵- موارد دخالت افراد یا ارگان‌های غیرمسئول در قضایه را، که موجبات چنین اعمالی را فراهم آورده‌اند، روشن ساخته و جهت آگاهی ملت اعلام کنید.

همه در صورت ناچیز بودن موارد تخلف، ضمن رسیدگی به آنها، متخلف تئیه و عناسری را که اینگونه ضحفا را در حدی بزرگ می‌نمایند که موجبات تصفیه دولت جمهوری اسلامی نوپا را فراهم می‌آورند، شناسایی و به ملت مسلمان و انقلابی ایران معرفی کنید.

در اینجا حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که این نامه به امضاء مجلس فرستاده خواهد شد.  
آنگاه سئوالات چندین از نمایندگان از وزارت آموزش و پرورش مطرح شد. این سئوالها در ارتباط با تعطیل مدارس لرستان، پاکسازی و... بود.

دکتر جوان باهنر وزیر آموزش و پرورش در پاسخ گفت: «دکتر صاحب می‌کردن مدارس را ادامه کار طاغوتیان خواندند، ولی ما چاره هم را هم ادامه دادیم، این دنباله کار طاغوتیان بود؟ چیزی که مهم است، هدفهاست. ایشان همچنین به مسائل امور تربیتی اشاره کردند. ما نباید بپذیریم که انقلاب ارزش‌های جدیدی بوجود آورده و نسل جوان انقلابی را وارد صحنه کرده، ما باید از این نسل استفاده کنیم».

دکتر باهنر سپس به ورود افراد بی‌صلاحیت به آموزش و پرورش اشاره و تاکید کرد که این موضوع به کمی‌فرست برمی‌گردد، و علاوه بر این، بی‌صلاحیتی ایشان بانوع بی‌صلاحیتی معلمان وابسته، تفاوت می‌کند.

دکتر باهنر در قسمت دیگری از سخنان خود اظهار داشت:

«در مورد تعطیل مدارس لرستان و خرم‌آباد باید بگویم که آنچه را که در آنجا انجام شد، صد درصد تأیید نمی‌کنیم. ولی در آنجا مشکلاتی وجود دارد... در حال حاضر مدارس در قسمت‌هایی از این منطقه هم فعلا در اختیار مهاجرین جنگ زده است، ولی بهر حال ما در حال بررسی این کار هستیم».

### لایحه پاکسازی بزودی به مجلس تقدیم می‌شود

وزیر آموزش و پرورش در مورد تصفیه و پاکسازی آموزش و پرورش گفت:  
«سی درصد وقت کار روزانه ما صرف مسئله پاکسازی می‌شود. داستان از این قرار است که وزارت آموزش و پرورش پرسنل وسیعی، حدود ۵۰۰ هزار نفر، دارد. مهلت تعیین شده توسط شورای انقلاب برای پاکسازی برای آموزش و پرورش کافی نبود. در کنار این قضیه گروههای پاکسازی غیرمسئول هم در شهرهای مختلف به کار مشغول بودند... وقت هم کم بود و ضوابط هم خیلی مشخص نبود. در نتیجه گروههای پاکسازی نظریات مختلفی می‌دادند. مسئله

نشده است، دیک کارشناس نظامی غربی، است!

### پار دیگر می‌پرسیم:

علت اینکه چرا خبرگزاری امیر یالیزی فرانسه، خبر بالا را مخابره کرده، کاملاً روشن است. علت اینکه چرا روزنامه «میزان» آن را با تیتراژ ۸۴ در صفحه اول ارائه کرده، تا حتی رهگذرانی هم که این روزنامه را نمی‌خوانند و تنها تیتراژ آن را می‌بینند و یا می‌خوانند و به متن خبر دقت نمی‌کنند، در معرض فریب امیر یالیزی خبری قرار بگیرند، نیز روشن است.

اما، ما بار دیگر از مسلمانان انقلابی و روزنامه‌های طرفدار انقلاب می‌پرسیم:  
- آیا چه کسی از تبلیغ گسترده خبر جعلی بالا سود می‌برد جز امیر یالیزی چابکار آمریکا؟  
آیا صداقت روزنامه‌نگاری حکم نمی‌کند که متن و تیتراژ باهم بخوانند؟  
آیا خبری که در متن خود آن تکذیب شده و آنچه از طرف خبرگزاری امیر یالیزی فرانسه مخابره شده، باز هم بعنوان یک «خبر»، آفت‌موتوق و قابل اعتماد است که باید آن را درج کرد؟  
ما بار دیگر از روزنامه‌نویسان طرفدار انقلاب می‌خواهیم که در دام خبر گزاریهایی امیر یالیزی نیفتند.

## باز هم یک خبر «صدر صد موق» از امپریالیسم خبری!

### ارتش شوروی وارد لهستان شد

اطلاع داد لشکرهای روسی برای رفتن به آلمان شرقی و حاکمیت از یک واقعه معمولی - از پایان جنگ دوم جهانی باین - طرف می‌کند و آن عبارت است از تمویض نویتی سربازان شوروی، که بر اساس قرارداد پوتسدام در جمهوری دموکراتیک آلمان پس می‌برند. اما امیر یالیزی خبری بعلافت تضاد این تمویض با حوادث لهستان و سوعاستفاده‌ای که امیر یالیزی از این حوادث می‌کند بلافاصله آنرا به «روود ارتش شوروی به لهستان» تغییر داده و به چنان مخابره کرده است!

این اطلاعات را داده باشد، خبر حکایت از یک واقعه معمولی - از پایان جنگ دوم جهانی باین - طرف می‌کند و آن عبارت است از تمویض نویتی سربازان شوروی، که بر اساس قرارداد پوتسدام در جمهوری دموکراتیک آلمان پس می‌برند. اما امیر یالیزی خبری بعلافت تضاد این تمویض با حوادث لهستان و سوعاستفاده‌ای که امیر یالیزی از این حوادث می‌کند بلافاصله آنرا به «روود ارتش شوروی به لهستان» تغییر داده و به چنان مخابره کرده است!

۴- منبع خبر، همان منابع همیشه امیر یالیزی خبری است: «مخالف مطلع»، «منابع موق»، «دیک کارشناس نظامی غربی» و «اعضای اتحادیه‌های کارگری»...  
۳- امیر یالیزی خبری که در ترفندها و شکردهای خبرسازی استاد است، ابتدا از قول «منابع موق» اعلام می‌کند که «دیر» اول حزب کمونیست لهستان، به «دیرس اتحادیه روزنامه‌نگاران» این کشور اطلاعاتی مبنی بر «بپوش چهار لشکر روسی از جنوب لهستان» داده و افزوده است:  
«لشکرهای روسی برای رفتن به آلمان شرقی و چابکاری بپای سربازان مستقر در آنجا وارد لهستان شده‌اند»  
باین ترتیب یغری که «دیر» اول حزب کمونیست لهستان، هم

خبری که کلیشه آن در بالا آمده است، یکی از اخبار صدر صدر موق! امیر یالیزی خبری است که توسط خبرگزاری فرانسه به سراسر جهان مخابره شده است. خبر بالا، که متأسفانه در اغلب روزنامه‌های ایران یا تیتراژ شوری وارد لهستان شده، بچاپ رسید و روزنامه «میزان» آن را روز چهارشنبه ۱۹ آذر ۵۹ به تیتراژ اول خود تبدیل کرده، نمونه‌ای از هزاران خبر جعلی امیر یالیزی خبری است، که با استفاده از انواع تیرنگهای «روانی» و «خبر نویسی» تئیه و در سمت اهداف امیر یالیزی چابکار، برای فریب افکار عمومی در جهان مخابره میشود.

تیتراژ این خبر (این تیتراژ با حروف ۸۲، در بهترین جای صفحه اول «میزان» چاپ شده) بدون شک و شبیه و شکردهای اعلام می‌کند که «ارتش شوروی وارد لهستان شده». منطقی این واقعیت، مورد نظر خبرگزاری فرانسه، باید در متن خبر هم آمده باشد. حالا به متن خبر مراجعه بکنیم تا زین توجیه کنید:

۱- منبع خبر، خبرگزاری امیر یالیزی فرانسه است. این همان خبرگزاری است که تا کنون سه بار به اتهام تحریف و جعل اخبار از ایران اخراج شده است.

## در جنگ عادلانه بو صدر رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

سلاحهای سبک و سنگین جریان داشت، خسارات و تلفاتی بسیار مزبوران فریب خورده صدام وارد کردند. در این عملیات دلاوران ما یک سنگر تیربار دشمن بسا نفرات، ۳ محل خیاره‌انداز در جزیره ام‌الرصاص، یک موضع تیربار با نفرات، پل ارتباطی عراق با ام‌الرصاص و ۴ سنگر دشمن را در این منطقه منهدم کردند و یک انبار مهمات را منهدم ساختند که تا ساعتاً در آتش سوخت. در جریان این نبرد ۳ تن از رزمندگان مجروح شدند. بر پایه همین گزارش‌ها روز گذشته (سه شنبه) شهبان آبادان هدف خیاره‌های دشمن بود که در اثر آن ۵ تن شهید و ۵۰ نفر مجروح شدند.  
به گزارش خبرگزاری فارس از آبادان:  
خبر رادیو عراق دایر بر شهادت منصور عالی اهل ارک و همچنین دستگیری داود رهنا اهل سواد کذب محض است و نامبردگان هم‌اکنون در جبهه آبادان حضور داشته و در حال نبرد با مزدوران صدام هستند.

# امام خمینی میگوید:

## « همه گرفتاریهای ما از امریکاست »

### لیبرالها میگویند:

### « همه گرفتاریهای ما از گروگانگیری است! »

در تاریخ ۲۱ آبانماه ۵۹، روزنامه معتبر تشریح، چاپ سوریه، سندی از اسناد بدست آمده از لانه جاسوسی آمریکا را منتشر ساخت، که متأسفانه علیرغم آنکه خبرگزاری پارس این سند بسیار مهم را مخابره کرد و مضمون آن در دسترس کلیه جراید قرار گرفت - جز برخی از آنها، از مضمون سند خبری منتشر نکردند و سپس نیز کسی در پی تحلیل این سند مهم برنیامد و موضوع به فراموشی سپرده شد.

قلم «مردم» بموقع خود به تحلیل این سند مهم پرداخت. اما این سند آنقدر اهمیت دارد که بجاست بار دیگر مضمون آنرا بررسی کنیم و اعتراضات شکرانی را که جاسوسان آمریکایی در آن عنوان کردهاند، بار دیگر در پیش چشمان «منکرین» قرار دهیم، چه این اعتراضات حداقل بنیاد «استدلال» گروهی را که به پیروی خط برزیلنسی، موصوف شدهاند و برای «لیبرال» نامیده میشوند و برای سازش با امپریالیسم آمریکا تلاش میروند و خیال آجیبی پیوندهای وابستگی ایران به امپریالیسم بر سر کردهاند، امپریالیسم را در سر میروانند، ویران می کنند و پوچی و کذب ادعای آنان را در پیش مردم آشکار میسازد.

همگان میدانند که لیبرالها در پی فتح لانه جاسوسی آمریکا، که «اتفاقات» مصادف با سقوط دولت آنها بود، فغان و فریاد برداشتند و خطاب به مسردم انقلابی ایران، آنها را از «حدت و جسارت بی سابقه» ای که بخرج داده بودند، بر حذر نمودند، آنها را از «با گذاردن روی دم افی» ترساندند، وحشتزده و به پیروی از میدانان آمریکایی «محقوق بشر» فریاد برداشتند که «قوانین بین المللی را نقض نکنید»، «۵۳ گروگان را آزاد کنید»، «سپس «خط و نشان» کشیدند که: «چو کردی یا کلوش انداز پیکار» به نادانی سرخود را شکستی، آمریکا فوهای خود را به ایاتانوس هند و خلیج فارس آورد.

لیبرالها گفتند: «نتیجه گروگان گیری است»  
 آمریکا و متحدانش ایران را محاصره اقتصادی کردند. آنها «تحلیل» کردند که: «آقا جان، گروگانها!»  
 آمریکا و عملش در کردستان و آذربایجان پلوا برانداختند. لیبرالها اظهار داشتند: «گروگانها، گروگانها!»  
 آمریکا، به خاک ایران تجاوز نظامی کرد. آنها سری تکان دادند و اظهار لحنیه فرمودند که: «گروگانهای آمریکایی!»  
 آمریکا درصد کودتای نظامی برآمد و نقشه قتل عام ده میلیون نفر از مردم ایران، پس از شکست توطئه فاش شد. لیبرالها گفتند: «ایران یا گروگانگیری، خود را گروگان آمریکا کرده است.»  
 آمریکا زنجیر صدام را رها کرد و او را بجای انقلاب ایران انداخت. آنها سری تکان دادند و از روی «دلسوزی» توصیه کردند: «ما که گفتیم، گروگانها را رها کنید.»

پدینسان، درست بر خلاف آنچه، هرچه مردم بگوش این آقایان خوانند که آخر مگر دکتر مصدق آئینده، و سوگارتو، «گروگانگیری» کرده بودند که آمریکاسرنگوشان کرده، پایشان را در یک کفش کردند که: «خیرا «همه بدبختیهای ما از گروگانهاست»!

اما در سند منتشر شده توسط تشریح، که تاریخ نگارش آن تیرماه ۵۸، یعنی ۴ ماه قبل از فتح لانه جاسوسی آمریکا است، آمده است: «باید برای نابود کردن انقلاب

اسلامی آیت الله خمینی، از همان برنامه های بررسی شده قبل، یعنی تحریرات سران عشایر، برانگیختن احساسات ناسیونالیستی و قبیله ای، کمک کردن به هر نوع جنبش و یا سازمان سیاسی مردم اسفهان برای اخراج نماینده شان از مجلس و قایل اجرا بودن آن از نظر حقوقی گفت: «به من هم مراجعه کردند و در این زمینه سوال کردند. پاسخ اینست که: این مطلب در قانون اساسی پیش بینی شده و در قانون انتخابات... بهرحال در این زمینه باید مجلس شورای اسلامی تصمیم بگیرد و آنهم در شکل قانونی.»

آیت الله دکتر بهشتی درجای دیگری در زمینه مبارزه با مواد مخدر و استغفای حجت الاسلام خلیلی تأکید کرده که این مبارزه بصورت قاطع ادامه خواهد یافت. خبرنگاری سوال کرد: «خط ارتباط با غرب تلاش می کند تا این شبهه را ایجاد کند که دولت کنونی صلاحیت اداره این مملکت را ندارد و لذا باید جای خود را به دولت دهد که طرفدار غرب

است. این شبهه را باید بجای خود را به دولت دهد که طرفدار غرب است.»

## آیت الله دکتر بهشتی:

### ملی کردن تجارت خارجی دنبال خواهد شد

\* بانقارت مستمر، از خروج بی رویه ارز از ایران جلوگیری می شود.  
 \* همه کسانی که بخواهند صادقاته و صمیمانه برای حل مسائل کوشش داشته باشند، هر جابروند مورد استقبال قرار خواهند گرفت.

باشد. این حرکت را چگونه ارزیابی می کنید؟  
 دکتر بهشتی در پاسخ ضمن تأکید بر اینکه مشکلات انقلاب نمی تواند در عرض یکماه، پسا یکسال حل شود، درباره دولت گفت:

«دولت مصمم است به مردم خدمت کند، از نظرات همه صاحب نظران با ایمان مورد اعتماد مردم استفاده می کند و استقبال می کند، از هر کسی که بتواند کمکی از نظر فکری یا عملی برای این مشکلات بکند، استقبال می کند. چرا چنین دولتی نتواند مسائل این جامعه را حل کند. بخصوص که این دولت با تکیه بر اکثریت قاطع آراء نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مردم سرکار آمده... امیدوارم ملت هوشیار و پیدارماندند که این تلاشها بیشتر به منظور این است که فرصتی را که اکنون داریم، بصورت ۴ ماه و ۳ ماه و پنج ماه و شش ماه به دست این دولت و آن دولت، به نتیجه گیری کم از دست ندهیم و توانیم با

طرح و حتی اجراهای آزمایشی هستند. امیدوارم موفق باشند. ضمناً به موازات تکمیل و اجرای طرح کوشش می شود که بنا نظارت مستمر از خروج بی رویه ارز از ایران جلوگیری شود. یکی از خبرنگاران خارجی پرسید: «آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس گفته است که اگر احتیاج داشته باشیم، از شورای اسلحه می خریم. نظر شما چیست؟» دکتر بهشتی گفت: «ملاحظه کنید، هر کشور غیر وابسته ای ما محتاج خود را از کشورهای مختلف، از جمله شوروی می خرد، ولی ما ترجیح می دهیم نیازهای ایران را از طرق مختلف تهیه کنیم.»

خبرنگاری سوال کرد: «باتوجه به سخنرانی شما در مورد لیبرالها، تلفظهای زیادی به روزنامه جمهوری اسلامی شد و سوال می کردند آیا خطر اینها در دستکامهای دولتی، بخصوص نهادهای اجتماعی هست؟»  
 آیت الله بهشتی از جمله پاسخ داد: «گمان میکنم با کوشش برای این که انقلاب مادرتش یک جریان نیرومند پارتیزان بشود و مردم را به سوی جمهوری اسلامی را به سوی خط صیرل اسلام جذب کند، راه صحیح مقابله با خطر هر گونه انحراف به سوی خطهای دیگر است و امیدوارم این تلاش روز بروز منتهی تر و نیرومندتر شود.»

## لئونید برژنف در جریان مذاکرات با ایندیرا گاندی گفت:

# اتحاد شوروی علیه دخالت دیگر کشورها در این مناقشات (جنگ عراق علیه ایران) اقدام می کند

\* اتحاد شوروی آمادگی خود را برای اعطای کمک همه جانبه به هند اعلام داشت.  
 \* خانم گاندی اهمیت دوستی با اتحاد شوروی را برای استقلال و حاکمیت هند مورد تأکید قرار داد.  
 \* رهبران اتحاد شوروی و هند توجه افکار عمومی را به روند عادی شدن اوضاع در افغانستان جلب کردند.

و غیر متعدد انجام میدهند. رهبران دو کشور در طول مذاکرات، به سطح بالای روابط دو جانبه، که بر اساس معاهده صلح و همکاری و دوستی استوار است، اشاره کردند.  
 خانم ایندیرا گاندی نخست وزیر هند به مامیت متقابل سودمند معاهده های گذشته اقتصادی دو کشور اشاره کرد و بویژه اهمیت این همکاری را برای گسترش و توسعه اقتصاد هند مورد تأکید قرار داد.

لئونید برژنف به رهبران هند اطمینان داد که اتحاد شوروی هر چه در توان دارد برای توسعه دوستی و همکاری نزدیک با هند و گسترش تقاض متقابل خواهد داد.  
 در مذاکرات رهبران دو کشور چشم اندازهای گسترده همکاری متقابل سودمند در زمینه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و اتحاد شوروی آمادگی خود را برای اعطای کمک همه جانبه به هند برای گسترش و توسعه چاهها و منابع نفتی هند و کمک به بالا بردن سطح تولید نیروگاههای این کشور اعلام کرد.  
 دو کشور به تازگی با نزدیکی نظریات اتحاد شوروی و هند درباره مسائل عهد جهانی اشاره کردند و توجه را به اوضاع آسیای جنوب شرقی جلب نمودند.  
 در اجتماع باشکوهی که از سوی انجمن دوستی اتحاد شوروی و هند برپا شده بود، لئونید برژنف درسخانی، ضمن تأکید بر اهمیت دوستی هند و اتحاد شوروی، گفت:  
 «اتحاد شوروی برای کمک همه جانبه به اقتصاد هند و کمک به تقویت نیروی دفاعی هند تلاش خواهد کرد».  
 برژنف تأکید کرد که دوستی هند و اتحاد شوروی علیه هیچ کشوری نیست.  
 خانم گاندی در این اجتماع مامیت بی شائبه دوستی دو کشور و اهمیت این دوستی را برای استقلال و حاکمیت هند مورد تأکید قرار داد.

دیدار رسمی سه روزه لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدراعظمی اتحاد شوروی از هند پایان یافت. رهبران اتحاد شوروی و هند تشدید فعالیت نظامی در حوزه اقیانوس هند و خلیج فارس را محکوم کردند و خواهان برچیده شدن پایگاهها از منطقه و تبدیل آن به منطقه صلح شدند. دو کشور از تسخیر اوضاع در خاورمیانه ابراز نگرانی کردند و یادآور شدند محافل تجاوزگر اسرائیل را به تجاوز علیه اعراب و بویژه خلق فلسطین تشویق می کنند.

لئونید برژنف و خانم ایندیرا گاندی به ضرورت مقابله با دشمنان صلح اشاره کردند که تلاش می کنند به جریان تسخیر زانی خلل برسانند و تعادل موجود نیروی نظامی را بسود خود تغییر بدهند. لئونید برژنف هنگام بحث درباره اوضاع خاور نزدیک گفت: «برخیزها سعی دارند به درگیری میان عراق و ایران جنبه جدی تر بدهند. منظور از این تلاشها تضعیف هر دو کشور است تا از این راه مواضع نیروهای خارجی، که پس از سقوط رژیم شاه در ایران از دست رفته است، بازستانده شود».

لئونید برژنف افزود: «اتحاد شوروی در راه حل هر چه زودتر اختلاف از طریق مسالمت و علیه دخالت دیگر کشورها در این مناقشات اقدام می کند».  
 رهبران اتحاد شوروی و هند توجه افکار عمومی را به روند عادی شدن اوضاع در افغانستان جلب کردند.  
 لئونید برژنف گفت: «اتحاد شوروی وظیفه خود را در زمینه کمک به افغانستان بطور کامل انجام خواهد داد. ما هر چه از دستمان ساخته است انجام میدهم، تا به حل و فصل مسائل از راه سیاسی براساس پیشنهادهای دولت افغانستان کمک کنیم».  
 لئونید برژنف اضافه کرد: «اتحاد شوروی وظیفه خود را در زمینه کمک به افغانستان همگرا تیک و در حفظ افغانستان بعنوان یک کشور دارای حق حاکمیت، مستقل

خانم حبیب الله، ضمن اشاره به نقش اتحاد شوروی در تحکیم صلح و امنیت جهانی گفت: «مردم شوروی از حکومت قانونی افغانستان، در زمانی که این کشور با آزمونی دشوار روبرو شده بود، حمایت کرده و تلاشهای محافلی که میخواستند مسیر رویدادها را در افغانستان تغییر دهند، بانسکت روبرو شده است، هائاتطور که توطئه قدرتهای امپریالیستی برای خفه کردن اتحاد شوروی در زمان خود با ناکامی روبرو شد».  
 روزنامه «پاتریوت» نوشت:  
 «دیدار برژنف در حالی انجام شد که اوضاع در جهان وخیم شده و محافل امپریالیستی و ارتجاعی و برتری طلب تلاش دارند روند تسخیر زانی را نابود سازند».  
 روزنامه هندی «تایمز» نوشت:  
 «منافع ملی هند اقتضاء می کند که دوستی نیرومندتری با اتحاد شوروی برقرار شود».  
 جایپاتی ران، معاون سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقای سری لانکا، در مساجبه ای گفت: «اتحاد شوروی همیشه از سیاست صلح حمایت کرده و سیاست هند را در مورد تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح مورد حمایت قرار داده است. مذاکرات دهلی نو سهم بزرگی در تأمین صلح در آسیا خواهد داشت».



## معاون سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقای سری لانکا:

### دیدار برژنف از هند سهم بزرگی در تأمین صلح در آسیا خواهد داشت

مردم هند و محافل اجتماعی ترقیخواه منطقه آسیای جنوب شرقی و شبه قاره هند، دیدار لئونید برژنف را از هند دارای اهمیت اساسی ارزیابی کردند.  
 مردم هند و محافل ترقیخواه این کشور دیدار لئونید برژنف را از هند کام مهمی در گسترش روابط دو کشور می دانند.  
 خانم حبیده حبیب الله، عضو پارلمان هند از حزب ملی کنگره هند و یکی از زنان مبارز مسلمان کشور گفت:  
 «مردم هند از لئونید برژنف و همراهان وی مانند برادران خود استقبال کردند».

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

### قطعه نامه گردهمایی...

بقیه از صفحه ۱

۴- از مقامات انتظامی دولت جمهوری اسلامی می خواهم از روشهای کنونی و جلب و توقیف و اعدام در منطقه، که موجب یاس مردم از توجهات جمهوری اسلامی است، خودداری نمایند و کلیه تفتیقاتی را که برای مردم بیگناه منطقه وارد شده است، برطرف کنند و با شروع بکار دوایر دولتی و مدارس و باز شدن راهها، زندگی مردم و وضع عمومی منطقه راحال عادی برگردانند و مردم را در امیدواری به جمهوری اسلامی یاری دهند.

۵- از کلیه مردم متعهد و مسلمان، بویژه جوانان فعال مهاباد خواستاریم که به محض مشاهده هر گونه اقدام و مقابله مسلحانه و خصمانه از طرف اشخاص بی مسئولیت در داخل شهر، که موجب سلب آسایش عمومی است، با اعتراض دسته جمعی مخالفت خود را اعلام و اقدامات آنان را عقیم نمایند.

۶- از افراد مسلمان و متعهد شهر و حومه دعوت میکنیم برای برقراری انتظامات و جلوگیری از زد و خورد و تخریب مادگی خود را اعلام دارند، تا نسبت به استخدام آنان اقدام مقتضی بعمل آید.

۷- برای یکپارچگی هر چه بیشتر مردم ایران و دفع فعالیت های دشمنان اسلام و از بین بردن جو خصمانه و در هم کوبیدن تجاوزگران بیعی، از بیگناه حضرت امام خمینی رهبر عالیقدر تقاضای صدور فرمان عفو عمومی را داریم.

۸- از مقامات انتظامی مستقر در مهاباد خواستاریم، بعلت مسدود بودن راهها و قطع ارتباطات، متن این قطعه نامه را خود به استحضار رهبر انقلاب، ریاست جمهوری، نخست وزیر، ریاست مجلس شورای اسلامی، استانداری آذربایجان غربی و وسایل ارتباط جمعی برسانند.

## از بیاتیه کنفرانس بین المللی همبستگی با فلسطین:

### روابط اعراب با اردوگاه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه باید تحکیم و گسترش یابد

کنفرانس بین المللی همبستگی با مبارزه خلق قبرمان فلسطین، که با شرکت نمایندگان سازمانهای مختلف ملی و بین المللی در بیروت تشکیل شده بود، بکار خود پایان داد. نمایندگان کشورهای سازمانهای مختلف در سخنرانیهای خود سیاست امپریالیسم آمریکا در منطقه را محکوم کردند. نمایندگان لبنان، سوریه، کویت، گروم-های شرقی مصر و نامیبیا بویژه خواهان گسترش مبارزه علیه توطئه کمپبویید شدند و این معاهده خائنانه را مغانی با منافع اعراب دانستند. نمایندگان شرکت کننده اعلام کردند که تنهاریا حل و فصل مسائل در خاورمیانه، خروج نیروهای اشغالگر سوسیالیستی از تمام سرزمینهای اشغالی و از جمله ازیب المقدس شرقی و تضمین حقوق خلق فلسطین، از جمله حق این خلق برای ایجاد یک کشور مستقل است. کنفرانس حمایت خود را از خلق فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد. در بیاتیه کنفرانس همچنین آمده است: «باید اتحاد ضد امپریالیستی اعراب تقویت شود و روابط با اردوگاه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه جهان تحکیم گردد».

## نامه مردم

از گان مرکزی غرب توده ایران

ورنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۶۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم)

هنوز در اختیار نامه مردم نیست

**NAMEH MARDOM**

No. 392  
11 December 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts.  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران